

که از طرف نواب وزیر اود با تنظیم محالات سرکار گور کپیور مأمور و درین مردم برای بدخوئی مشهور بود انتخاب شد اما اتفاقاً در میان مؤلف و سرهنگهائی موافقت تمام روی داد و مؤلف سه سال با وی همکاری داشت. دیری نگذشت که سرهنگ مزبور باز بازار و تعدی بمؤلف برآمد اما خوشبختانه آقای جاسن^۱ بهادر که از طرف شرکت هند شرقی (ایستاندیا کمپنی) بمعاونت پرداخت امور سرکار نواب وزیر اود مأمور بود مؤلف را تحت حمایت خود گرفته وی را از همکاری سرهنگ نجات داد و سپس مؤلف بهرمان آقای میدلتن^۲ شورش راجه بال بهدراسنگه را فرونشاند. بعد از آن سرهنگهائی و مؤلف باهم آشتی کردند. اما دیری نگذشت که سرکار سرهنگ مزبور دوباره بر رفتار معاندانه خود برگشت و به تآذی مؤلف پرداخت و حتی موجب قطع درآمد قلیلی که از سرکار وزیر عاید میشد گردید. دیگر طاقت صبر و تحمل مؤلف نطق شد چون از آن بیشتر نمیتوانست استقامت و پافشاری نماید و در اواسط ۱۲۰۲ هـ عازم شهر کلکته شد و بر خلاف خواسته سرهنگ مزبور آنجا مورد لطف و احترام عاملین شرکت هند شرقی واقع شد. اما هنوز قصیه وی حل و فصل نشده بود که «حیات آن محسن خلائق بسر رسید».

خلاصه بعثت هرچو مرح که از آغاز سن تمیز و شعور در اوصاع زنده گی مؤلف و خوددانش فرصت تحصیل علوم و فضایل نصیب وی نشد اما به مقتضای شوق فطری خود وی غالباً در صحبت افاصل بوده و از مطالعه کتب غافل بود

در کلکته مؤلف در خدمت عاملین شرکت هند شرقی درآمد و سببهای مختلف پیموده داشت. در اول رمضان ۱۲۱۳ هـ مطابق ۱۷۹۹ میلادی^۳ مؤلف با تعاقب سروان

۱- Mr Johnson

۲- Mr. Middleton نماید. سیاس سلطنت انگلیس در سرکار اود (لکهور)

۳- در «مفتاح التواریخ» (ص ۳۷۴) بحای سنه هراوهشتمند و بدون اشتباهاً سنه

هراوهشتمند و بدون ذکر شده است

در اروپا پس از مسافرت اروپا رخت و د ۱۵ ربیع الاول ۱۲۱۸ هـ بعد از پنج سال اقامت در اروپا بهند مراجعت کرد و وارد کلکته شد. مؤلف شرح مفصل این مسافرت را در کتاب «مسیر طالی فی بلاد افرنجی» که در ۱۲۱۹ هـ با تمام رسید داده است. مؤلف در ۱۲۲۰ هـ در لکهنو پندرو حیات گف. بیل در «مکتب التواریخ» (ص ۲۷۴) دو قطعه تاریخ فوت ابوطالب خان را که وی به فرمایش میرزا یوسف باقر پسر ابوطالب گفته است نقل کرده است و یکی از آنها بقرار زیر است:

رحمت سحر چو ست ابوطالب از جهان هوش و حواس عالمیان از دماغ رفت
 هاتف ز غیب بادل افکار ناگهان از هر سال فوت دو صد بار آه گف
 (چون عدد «دل افکار» که «ك» است به عدد دو صد بار آه (= ۶ × ۲۰۰ = ۱۲۰۰) جمع کنیم عدد ۱۲۲۰ بدست میآید که سال وفات ابوطالب خان میباشد)

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدینقرار است

- ۱- دیوان فارسی - برای نسخه آن رجوع شود به یاد لین ۱۹۹۴
- ۲- اشعار میرزا ابوطالب که با ترجمه انگلیسی بوسیله سوتن^۲ در ۱۸۰۷ میلادی در لندن چاپ شده است.
- ۳- مشوی سرور افرا در تعریف لندن برای نسخه آن رجوع شود به فهرست ادس رگ ش ۳۲۵

- ۴- معراج التوحید - کتبیسب معرر جمع بعلت شمسی ناشرح آن بشر که مؤلف در ۱۲۱۹ هـ تألیف ویدام ابوالمفتح سلطان محمد سعوی عنوان کرده است برای نسخه آن رجوع شود به فهرست ادس رگ ش ۹۳
- ۵- معجزه در ۱۱ - علم احلاق (۲) - معنطرح - موسیقی (۳) - علم عروض و قافیه (۴) - فون حسه ض ۱۵۱ - لب لیر و جهان - این پنج رساله در آخر

۱ - Captain Richardson

۲ - G. Swinton

بعضی از نسخ تذکره خلاصه الافکار صمیمه شده است (مثلاً رجوع شود به نسخه ملک تهران) برای شرح رساله قلب السیر و حیان نامه رجوع شود به تاریخ هدایایات و دومین (انگلیسی) ج ۸ ص ۲۹۸-۳۰۰، این رساله را مؤلف بنام أصب الدوله نوشته است و آن مشتملست بر چهار باب در باره (۱) رسول (۲) حلما (۳) فلاسفه و اصحاب رسول و فضلاء و شعرا و غیره (۴) - خاندان ها که معاصر رسول بودند یا بعد از او (در بعضی نقاط دنیا) سلطنت میکرده اند برای مسح این رساله رجوع شود به اته ش ۶۴۶ برگ ۳۹۶-۴۷۳ (که در آخر خلاصه افکار صمیمه شده و این نسخه را سونتون استنساخ و خود مؤلف در ۱۸۰۴ م آنرا تصحیح نموده است) و ش ۶۹۷ برگ ۳۲۲-۳۹۰ (تاریخ ندارد) و بادلین ش ۳۹۱ (به خلاصه افکار صمیمه شده است مورخ ۱۲۱۰ ه) و آصفیه ج ۳ ص ۹۸ ش ۱۳۱۲ (مورخ ۱۲۲۰ ه) و ریو ج ۳ ص ۸۹۵ (تنها مقدمه و فصل ۸ از باب ۴ در باره هند دارد - مورخ ۱۸۵۰ م) ریو تکلمه ش ۱۱۶ (۲) (اوایل قرن ۱۹ میلادی) و ملک تهران (ش ۴۳۰۳).

۶- مسیر طالمی و بلاد افراسی - کتابیست فارسی راجع شرح مسافرت مؤلف اروپا - برای مسح آن رجوع شود به ریو ج ۱ ص ۳۸۴ الف (مورخ ۱۲۲۱ ه) و ۳۴۸ - تنها ج ۳ دارد - اوایل قرن ۱۹ م) بادلین ش ۱۸۰۵ (۱۲۲۲ ه) بلو ش ۱ ش ۶۴۷ (۱۲۲۸ ه) و علیگره دحیره سحر الله ص ۵۷ س ۱ و آصفیه ج ۲ ص ۸۳۶ س ۲۹ و بانکس پور ج ۷ ص ۶۲۷ و براون مسح فارسی ش ۱۱۶ (کمتر از نصف کتاب) و ادسبرگ ش ۹۰ و اته ش ۲۷۲۷ و مدراس ش ۴۴۹ و رویال ایشیتک سوسایتی ص ۱۷۷ - چاپ کلکتا ۱۸۱۲ میلادی ترجمه نانگلیسی چاپ لندن ۱۸۱۰ م و باصفه ها ۱۸۱۴ م و ترجمه نفرانسه چاپ پاریس ۱۸۱۱ م و ۱۸۱۹ م و ترجمه آلمانی چاپ وین ۱۸۱۳ م و ترجمه ناردو و بوسینه میرا ص ۱۸۱۳ م و آردی چاپ مراد آرد (تبرق سمب اول) و خلاصه نانگلیسی چاپ کلکتا ۱۸۲۷ م و ۱۸۳۶ م این خلاصه را اصلاً داوید ماکفرلین David Macfarlane ترتیب داد - اسما . برای نسخه آن رجوع شود به برلین ۲۵۸

۷- تفضیح الغافلین - تاریخ عصر آصف الدوله (۱۷۷۵-۱۷۹۲ م) فرمایش کاپیتان ریچاردسن در ۱۲۱۱ هـ تألیف کرد اما هیچ نسخه‌ای از آن امروز پیدا نیست. ترجمه انگلیسی آن در ۱۸۸۵ هـ در آله آباد چاپ شده است بعنوان زیر:

History of Asafud Daula being translation of "Tafzihul Ghafilin" compiled by Abu Talib and translated by W. Hoey - Allahabad, 1885 .

۸- خلاصه الافکار - تذکره مورد بحث.

عبارت تألیف کتب فوق مؤلف تصحیح و همکاری در انتشار کتبی مانند کلیات خواجه حافظ و شیخ سعدی و غیره نیرداشته است چنانکه در دلیل نام خواجه حافظ می‌ویسد مہتر جاسن در آغار ۱۲۰۲ هـ خواست که بعضی کتب مشهوره اسلامی که صحیف کاتبان و خطاطان در شرف تزیین است بطرز چاپ فرنگک انشاردهد و اهتمام این کار را به مؤلف محول کرد و معلمی برای این کار مخصوص کرد مؤلف دیوان خواجه حافظ را ارده دوارده نسخه تصحیح نموده و بالاحره در ۱۲۰۶ هـ از انتشار آن فراغت حاصل نمود و از این دیوان قریب به ۱۲۰۰ جلد چاپ شد و قیمتش صد نسخه ار آن که با کاغذ و رنگی چاپ شده بود یک اشرفی یعنی سائزده روپیه و سصد دیگر که با کاغذ هندی چاپ شده بود قیمت آن هشتت روپیه بود و حروف آن بخط نستعلیق بود. (همچنین رجوع شود به خلاصه الافکار شرح حال سعدی)

تصوه بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را در سال ۱۲۰۶ هـ شروع و در ۱۲۰۷ هـ با تمام رسایده اسب در دیباجه این کتاب معده قطعه آورد و است که آغار و اتمام تألیف این کتاب را

۱- بلا سال ۱۲۰۷ هـ مورد آغار تألیف و ۱۲۱۱ هـ با سال اتمام این کتاب ذکر کرده که
ت (رک، بلا سال ۱۲۵۳-۱۲۵۸)

بینخارو گنج بی رنج است سال اتمام این خجسته نگار (= ۱۲۰۷ هـ)
 ورتو از مدآش بخواهی گو «جمع یکجا خلاصه الافکار» (= ۱۲۰۶ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه چنین توضیح داده است که مؤلف در اوایل عمر تا موقع تألیف کتاب در ۱۲۰۶ هـ که چهل ساله بود بسیاری از کتابها را مطالعه کرده و چون بشعر خیلی علاقه داشت از مدتی تصمیم گرفته بود که تذکره‌ای از شعرای متقدم و متأخر تألیف کند که مورد پسند خاطر مردم باشد و با وجود مصر ۲۰ گرفتاری زیادی این فکر را از دست نداده و همواره مشغول جمع آوری مواد برای این کتاب بوده و از هر کتابی که مطالعه میکرد اشعاری انتخاب میکرد تا اینکه در ۱۲۰۴ هـ از لکنویه کلکتر رفت و آنجا نامیر محمد حسین که احیر از حیدرآباد کن با آنها رفته بود بر خورد کرد. در آن ایام مؤلف تذکره والده (ریاض الشعرا) را مطالعه میکرد میر محمد حسین مر بورا روی خواهش کرد که تذکره والده را خلاصه کند و بنا بر فرمایش او مؤلف آنچه با مناسب بود از آن تذکره ساقط کرده و ریاضچه‌ای در ابتدا و در چند هزار معاصرین را در حاتم آن افزود و بدین ترتیب سبب سابق خیلی خلاصه شده و کتابی جدید بنظر می‌آمد اما چنانکه مؤلف میخواست صورت بسبب بدین این و خیال کهن در زمین دل بیخ گرفته باعث بر تحریر این اوراق گشت. مؤلف از بیست و پنج سال مواد این کتاب را جمع آوری میسود و به فراین دیری نگذشت که این کتاب با انجام رسید

مؤلف اسم منابع خود را هیچ حداد کرده است اما در متن کتاب معلوم میشود که وی از تذکره علیقلی خان و والده (ریاض الشعرا) و سرو آزاد و معانی الکرام و تذکره های مشهور دیگر استفاده کرده است و از تذکره ریاض الشعرا از همه بیشتر مطالب را نقل کرده است و آن کتاب را اساس تذکره خود قرار داده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر شعرای متقدم و متأخر و معاصر مؤلف به ترتیب الفبای رومی حرف اول اسم یا تخلص شعر و شامل مقدمه و بیست و هشت حدیقه (هر حدیقه برای یک حرف) و یک دلیل و حاتم که مجموع سی و یک حرف و بیست و هشت

حدیقه آن مشتمل است بر ذکر سیصد و نه شاعر و ذیل بر صد و پنجاه و نه شاعر و خاتمه بر
 دگر خود مؤلف و بیست و سه شاعر معاصر و بدین ترتیب تعداد کل شعرای مذکور
 این تذکره بالغ بر چهار صد و نود و دو (با ضمیمه ذکر خود مؤلف) میشود. قسمت بیست
 و هشت حدیقه با «ابوسعید ابوالخیر» شروع شده با «محمد یوسف خربادقانی»
 تمام میشود و ذیل با «ادهم کاشی» شروع شده با «یحیی» تمام میشود و خاتمه
 با «محمد حسین» شروع شده با «ابوطالب اصعہانی» (مؤلف) تمام میشود
 در مقدمه کتاب مؤلف بر اصل و ابتدای شعر و تطور کامل این هنر تاقیر و دوازدهم
 بحری بحث کرده و سپس اقسام شعر و شرایط تذکره نگار را آورده است.

ذیل کتاب مشتمل است بر دگر ۱۵۹ شاعر که احوال آنها در حین تحریر اوراق
 چنانچه باید بوضوح پیوست و در اوین ایساں هم حاضر بود و بیشتری از ایشان صاحب
 دیوان نیستند لهذا فقط بدگر اسامی و تسف قلیل اشعار ایشان از روی تذکره ها اکتفا
 کرده و خاتمه کتاب مشتمل است بر دگر بیست و سه شاعر معاصر مؤلف و ابوطالب خان
 (مؤلف)

مرا یا و مختصات این تذکره نقل از زیر است

۱- در این کتاب مؤلف از همه اقسام شعر و شرایط آنجا آورده است و در ذیل نام هر
 شاعر آورده است (تسا در صورتیکه مؤلف
 از او انتحاب شده آورده است) و سپس قصاید و غزلیات و قطعه و ترجیع العزل
 (ترجیع بند) و ترکیب بند و مربع و محسن و مسدس و غیره و سپس رباعیات
 و مشویات و بعد از این اشعار مصنوع و مرآتیه و هرل و محورا ترتیب العنا آورده است اما
 در ذیل نام بعضی شعرا انتحاب اشعار آنها را از یک دو نوع آورده است و هر گاه بعضی
 اقسام شعر قابل انتحاب نبود آنرا حذف نموده است.

۱- استوری ۱۶۰

۲- استوری در حدود ۴۶۴ و ۴۶۱

- ۲ - تعداد اشعار منتخب در این تذکره خیلی زیاد است و گاهی در ردیف نام بعضی شعرا بچهارصد حتی هفتصد بالغ میشود و نام این خواننده احتیاج به داشتن این کتب که از آن مؤلف انتخاب نموده است ندارد .
- ۳ - از تنوع و کثرت اشعار منتخب خواننده میتواند رتبه و پایه شاعر را درک نماید.
- ۴ - مؤلف در جمع آوری مطالب این تذکره خیلی رحمت کشیده و اطلاعات مهمی را جمع به زندگانی شعراء را از کتب تذکره و تاریخ بدست آورده و خلاصه آنرا در این کتاب درج نموده است .
- ۵ - مؤلف این کتاب را بعد از زحمت بیست و پنج ساله تألیف نموده و در طی این مدت همواره در محتویات آن مکرر تا ممل نظر کرده و همچنین انتخاب اقسام بشر و نظم آنرا چندین دفعه تغییر داده و بعضی قسمت های آنرا حذف یا اضافه نموده است
- ۶ - مؤلف اکثر اشعار را خودش اردیوان شعرا انتخاب نموده است و حتی کتبی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی و سعه مولا باحامی و کلیات حاقانی و غیره را خودش چندین بار مطالعه نموده و اشعار بعد از آن انتخاب نموده است
- ۷ - در ابتدای کتاب فهرست بسیار مفصلی آورده است که در آن غیر از اسامی شعرا تعداد اقسام و روایات نظم را را بررد کر نموده است همچنین در هر حدیفه در ردیف اسم هر شاعر تعداد ابیات را با اقسام شعر ذکر نموده است که در هیچ تذکره دیگری دیده نشده است از این فهرست ها معلوم میشود که عدد کل اشعار منتخب این تذکره متجاوز از بیست و پنج هزار و پانصد است میباشد
- در ردیف نام شعرای زیر انتخابی از آثار مشهورشان را آورده است
- ۱ - رساله ای از تسبیح حریفین در شرح بعضی ابیات حکیم خاقانی
 - ۲ - انتخابی از گلستان سعدی
 - ۳ - یک رقعہ از « منشآت » و یک (حروف) شرح از « وقایع حیدرآباد نعمت

- ۴ - شافیه رقه از رقعات عالمگیری
- ۵ - رساله‌ای در صنایع شعر بنام خلاصه‌الدیع از میر شمس‌الدین فقیر دهلوی.
- ۶ - يك جزو نثر از منشآت تاریخ نادری میرزا مهدی خان کوکب .
- ۷ - يك (جرو) نثر از منشآت ابواب الحنان میرزا رفیع واعظ قزوینی .
- ۸ - پنج رساله از تألیفات خود بقرار زیر .
- (۱) - رساله‌ای در علم اخلاق (در حدود ۳ صفحه) و
- (۲) - رساله در مصطلحات موسیقی شامل ذکر بغیات قریش و هند (در ۳ صفحه).
- (۳) - رساله در علم عروض و قافیه در دو باب (در ده صفحه)
- (۴) - رساله مختصر در فنون خمسه طب در پنج جلد (در ۲۹ صفحه)
- (۵) - لب‌السیرو و جهان‌نما (تألیف ۱۲۰۸ هـ) شامل ذکر بعضی وقایع مهم تاریخ از قدیم تا زمان مؤلف باضمام تاریخ مختصر اروپا و ذکر «اسیاء و سلاطین و سایر مشاهیر طوایف انام و احوال بلاد آغار بنای هر يك تا زمان تحریر». این رساله بسیار مفید و جامع است و مؤلف مطالب آنرا از صد ها کتاب خلاصه و جمع آوری نموده است و در تدوین این رساله خیلی رحمت کشیده است این رساله مشتمل است بر ۱۰۳ صفحه برگ .

در ذیل نام اورنگریب تنها ۱۶ رقه از او نقل کرده است و درباره اینکه چرا وی شعر گفت چنین می‌ویسد : «سبب تقوی و متانت مرا از مبادرت شعر حتی سماع آنهم پرهیز میفرماید»

همچنین در ذیل نام میرزا مهدی کوکب نیز تنها انتخاب نثر از منشآت تاریخ نادری او آورده است

شرح حال اکثر شعرا از ادریک دوسطرو حتی شرح حال بعضی شعرا معروف مانند ابوالعرج رومی و ادیب‌صابر و ابوری و اثیرالدین احسیکتی و اوحدی مراغه‌ای و اوحدی کرمانی و عنی کشمیری و مجیر بیلقانی و مویحوری و غیره را هم در دوسطرو غالباً صال و فوات و گاهی اسم آدرشان را ذکر نموده است . ولی

در خاتمه کتاب شرح حال اکثر شعراء را مفصل آورده است چون اکثرشان دوستان و آشنای مؤلف بودند .

رویهم رفته شرح حال اورنگریب عالمگیر (قریب به یک صفحه) و میرزا مهدی خان کوکب (در یک صفحه) ار همه مفصل تر آورده است .

انتخاب اشعار اکثر شعراء را مفصل آورده است مخصوصاً در دین نام شعرای ریز اشعارشان را ارسایرین مفصل تر آورده است

انوری : در حدود ۴۵۰ بیت حامی . هزار بیت خاقانی : ۷۵۰ بیت
حسرو : ۹۵۰ سعدی ۵۵۰ سلمان ساوخی : ۶۵۰
شفاغی : ۵۰۰ عرفی . ۴۵۰ فردوسی ۲۰۰
کمال الدین اسماعیل : ۷۵۰ مولانا رومی ۱۰۰۰ نظامی . ۵۰۰
وحشی یزدی ۳۵۰

مؤلف به «ماده تاریخ گوئی» خیلی علاقه داشته است چنانکه خودش در مقدمه هجده قطعه «در تاریخ» تألیف این کتاب آورده و همچنین ماده تاریخ فوت شعرای ریز را که دیگران گفته اند بر نقل کرده است . ماده تاریخ فوت بهاء الدین عاملی و نادل و نظیری .

در ذیل نام نعمت خان عالی لغات مشکل قطعه وی را که در هجو گفته شرح

در ذیل نام بیدل و حسرو نوشته است که آنها در خارج ار هند متولد شده و در هند «شوونما» یافتند که محققاً اشتباه است اما در ذیل نام مسعود سعد سلمان میبویسد :
«در مولداو اختلاف کرده اند اما آنچه متحقق رسیده (و) از کلامش بوضوح میبویسند (مولداو) لاهور است» و این قول مؤلف طبق مدارک تاریخی صحیح است

مؤلف در باره مردم هند عقیده خوبی نداشته و آنها را در ذیل نام آزاد بلگرامی «دهقان» نوشته است و بر بعضی اقوال آزاد بلگرامی انتقاد بسیار تند و تیزی کرده است (رجوع شود به پایان شرح جان آزاد در ذیل «ید بیضا» در این کتاب که آنجا اصل

عبارت از مؤلف نقل شده است .

سبک انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف ساده و غیر مصنوع است اما در مقدمه گاهی بشر مصنوع پرداخته است همچنین در ذیل نام بعضی شعر احواله‌ای مصنوع در معنی « فوت شد » آورده‌اند چنانکه در ذیل نام آرزو می‌نویسد : « در سنه ۱۰۶۹ رأیت عریضت بعالم آخرت بر افراخت »

در ذیل نام حساب می‌نویسد : « بالاخر باتش قهران قهرمان جهان آتش خرمن عمرش سوخته گشته بهمان دیگر خرامید ».

در ذیل نام بنای هروی می‌نویسند : « فی سه بهصد و دو سالی قصر حیاتش اهدام یافت »

گاهی کلمات اردو را نکار برده است مانند چایه (معنی چاپ) و چاپه خانه (معنی چاپخانه) و چاپه گران (چاپ کنندگان) (رجوع شود به ماحفظ و سعدی). رویهم رفته این کتاب از حیث جامعیت مطالب که مؤلف در عین اختصار و ایجاز از کتب معتبر دیگر جمع آوری نموده و همچنین اصالت و حویلی انتخاب اشعار که غالباً مؤلف خودش از دواوین شعر انتخاب نموده این تذکره را میتوان حرو بهترین تذکره‌های فارسی حساب کرد

نسخ خطی

۱- کتابخانه ملک تهران ش ۴۳۰۳ این نسخه مندرج و مرین مورخ ۲۵ رجب ۱۲۴۰ هـ بقلم میرزا محمد کاظم شیر به آقاسی نقاش است مشتمل بر ۳۸۲ برگ و ۲۵ سطر میباشد .

۲- دانشکده لاهور

۳ اشپرنگر ش ۳۴

۴- نادلین ۳۹۱ (۱۲۲۰ هـ)

۵- بانک پیورج ش ۷۱۲ (سه رساله در آخر کتاب ندارد مورخ قرن ۱۹ م)

- ۶- ریوح ۱ ص ۳۷۸ (حیاتی ناقص است مورخ اوایل قرن ۱۹م) ج ۳ ص ۱۰۰۳ (تمها اشعار دارد مورخ قریب به ۱۸۵۰ م).
- ۷- آتش ۶۹۶ (نقط سوتن که قبل از اعرام او بنند ابوطالب اورا در لندن فارسی تدریس میکرد . رجوع شونده آتستون ۸-۳۵۷. این نسخه را ابوطالب مؤلف در ۱۸۰۴م' ۵۱۲۱۹ تصحیح کرده است) و ش ۶۹۷ (چهار رساله اول که در حاتمہ کتاب آمده است ندارد).
- برای شرح حال مؤلف رجوع شود به مفتاح التواریخ ص ۵-۳۷۴ و تاریخ هند انگلیسی) از ایلیات و دیوس جلد ۸ ص ۹-۲۹۸ و ریو ح ۱ ص ۳۷۸ و دایرة المعارف اسلام تحت نام ابوطالب خان و خلاصه الافکار (حاتمه) و استوری ص ۳-۱۴۴ و میشود: و تراجم جهانی، ح ۱ ص ۸۵-۷ و فهرست کتابخانه ادبیرگی ش ۹۰ .
- فهرست اسامی شعرا رجوع شود به یاد لیل ستونهای ۳۰۲-۳۱۵ فهرست (۴۹۴ شاعر)
- تذکر مدرسجه «سرور افرا» متعلق بکتابخانه ادبیرگی تمثال مؤلف هم آمده است که برای «مجله» (European Magazine) کشیده شده است.

تذکره نویسار

ابتدا

«الحمد لله الذي علم الانسان ما لم يعلم وصل الله على خير خلقه محمد وآله

وصحبه وسلم»

Michaud: Biographie Universelle . Paris . 1843.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب محمد رفیع الدین واسم پدرش محمد شمس الدین است. وی بسلسله قشبندیه قادر به مسلک بود و روز پنجشنبه بعد از نماز صبح نوزدهم جماد الثانی سنه یک هزار و یکصد و شصت و چهار (۱۱۶۴) هجری در قصه قندهار از توابع صوبه (استان) محمد آباد سرکار نادر^۱ متولد شد و چندی بعد از آنجا به حیدرآباد دکن هندوستان مهاجرت نمود و در آنجا بسال ۱۲۶۱ ه فوت کرد^۲.

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۲۶ ه تألیف نموده است و راجع به سبب تألیف در دیباچه چنین توضیح میدهد: «فقیر (مؤلف) ... پاس خاطر بعضی عزیزان مشتاق که خاطر ایشان عزیز بود تذکره در ذکر شعرائی که چاشنی عرفان بمذاق ایشان رسیده بطریق انتخاب مع تراجم آنها از ابتدای شعر که بیانش میآید تا لغایت تحریر این رساله که یک هزار و دو صد (دویست) و شانزده هجریست بقید قلم می آرد».

مؤلف اسم مأخذ و منابع کتاب را در دیباچه یا حاتم کتاب بیاورده ولی در دلیل شرح حال شعرا اسم کتابهای ریز را ذکر کرده است که در تألیف این کتاب مورد استفاده وی قرار گرفته است

- ۱- تاریخ فرشته - رجوع شود به نام حافظ
- ۲- حبیب السیر - رجوع شود به نام حافظ
- ۳- مرآة الصفا - حافظ و شوک
- ۴- ذخیرة الحواقین - رجوع شود به نام عرفی
- ۵- شاهجهان نامه ملا عبدالحمید لاهوری - رجوع شود به نام یحیی کاشی.
- ۶- نفحات الاس حامی - رجوع شود به نام حسن دهلوی.
- ۷- مجمع الفایس آرزو - رجوع شود به نام تراب و میر حیدر تهرانی
- ۸- تذکره دولتشاه - رجوع شود به نام بدر حاکرمی.

۱- باید ادعا کرد که این نادر افغان غیر نادرشاه ایرانی است.

۲- ر.ک. استودی ح ۱ ص ۸۸۰

۹- ریاض الشعراء والمواعظانی در جوع به شوکت بخاری .

۱۰- سینه بی خبر - رجوع شود به نام علی سرهندی .

۱۱- مجمع العزلی ملائقی - رجوع شود به لالی استرآبادی .

۱۲- تذکره ناظم تبریزی رجوع شود به محتشم کاشی .

۱۳- تذکره حرین - شوکت بخاری .

مؤلف در دیباچه کتاب در باره اقسام شروطنم و ابتدای شعر فارسی و جواز شعر گوئی از قرآن و حدیث و اوزان شعر فارسی بحث کرده است

این تذکره مختصر است که شش سو یک شاعر متقدم و متأخر را بترتیب النبائی

از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنها ذکر نموده است و بنا به شیخ ابوحدالدین کرمانی «

شروع شده با «یحیی کاشی» تمام میشود بقول مؤلف این شعرا کسانی هستند که «چاشنی

عرفان مذاق خان ایشان رسیده» اما جالب اینست که حاقانی و سعدی و فردوسی و

و نظامی گنجوی را از متقدمین در گروه این «عرفا» آورده است اما سائنی و عطار و

رومی و حامی را ذکر نکرده است

دگر میرزوی رضوی را در ردیف «دال» بحای «را» و میر عبدالقادر مہمان را

در ردیف «دال» بحای «میم» آورده است و تحلیص بعضی خان عالی را بحای عالی «علی»

نوشته است و تحلیص صائب و کلیم را اصلاً ننوشته است

اشعار و شرح حال اکثر شعراء را مختصر آورده است و تنها اشعار و احوال شعراء

زیرا معصا آورده است

شیخ آدری و ادهم کاشی و آصف جاه و حافظ و حرین و حاکم و امیر حسرو و حسن

سحری و سیخ سعدی و شهیدی قمی و شوکت بخاری و صائب و عرفی و علی سرهندی

و علی (عالی) و فردوسی و سید فریدالدین و محتشم کاشی و لالی استرآبادی و یحیی کاشی .

زویب مرفته شرح حال شعراء زیر را معصا ترا همه آورده است .

شیخ آدری و حافظ و سیخ سعدی (هر کدام در ۲ ص) و آصف جاه (در ۳ ص)

همچنین اشعار شعرای زیر را مفصل تر از سایرین آورده است.
حافظ وراثت و وحید (هر کدام در ۲ ص).

گاهی اقوال تذکره نویسان مختلف را در باره سال وفات شاعر آورده است
مثلاً رجوع شود بنام خاقانی و شوکت بحاری.
سنگ انشای مؤلف غالباً ساده و غیر مصنوعی است
روی هم رفته این تذکره از حیث اصالت مطالب اهمیت و ارزش زیادی ندارد اما
قسمت شعرای معاصر که مفصل تر است مفید و یا ارزشمند است.

نسخه منحصر بفرد این تذکره در دانشگاه لاهور موجود است. (این
نسخه بسیار کهنه و کرم خورده است و بعضی کلمات آن از بین رفته است و آنرا
نمی‌توان خواند، ظاهراً این نسخه مؤلف است چون بعضی جاها اسامی شعرا را
اصلاح نموده و بعضی عبارات را خط کشیده است)

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تذکره نوبهار و استوری ح ۱ ق ۲

ص ۸۸۰

فهرست اسامی شعرا

بقرار زیر است:

۱- شیخ اوحدالدین گرمایی ۲- شیخ اوحدالدین اصفهانی

۳- ابوری ۴- ابوسعید بن سلمان لاهوری

۵- شیخ آدری ۶- ادبم کاشی

۷- الفتی یردی ۸- شاه آفرین لاهوری

۹- آصفجاء ۱۰- آرزو

۱۱- میر علامعلی آزاد ۱۲- بدرحاحرمی

۱۳- ساطی سمرقندی ۱۴- (در غلبه بحم ثانی و قتل عام در ۹۲۸

مقتول شد)

- ۱۵- بیدل
 ۱۶- بلیغ مولوی قدرت‌الله
 ۱۷- تراب میرزا ابوتراب ۱۸- ثبات محمدعظیم.
 ۱۹- مولانا جمال‌الدین معاصر سلطان محمد بن تغلق شاه ۲۰- شیخ حمالی دهلوی
 ۲۱- حافظ شیرازی ۲۲- حرین
 ۲۳- حاکم ۲۴- حاقابی
 ۲۵- امیر خسرو ۲۶- حسن سنجری
 ۲۷- میررعی رسوی ۲۸- نواب درگاه قلی‌خان
 ۲۹- ذکامیر اولاد ۳۰- میرعیدالقادیر مهربان
 ۳۲- رفیع قرویی ۳۲- راحت
 ۳۳- محمد رفیع‌الدین (مؤلف) ۳۴- شیخ سعدی
 ۳۵- شهیدی قمی ۳۶- سرف تهریری
 ۳۷- شوکت بخاری ۳۸- شاعر بلگرامی
 ۳۹- صائب ۴۰- میرصیدی تهرانی
 ۴۱- نواب صمصام‌الملک ۴۲- طهوری
 ۴۳- عرفی شیرازی (۱۸۹۹ء) ۴۴- علی سرهندي
 ۴۵- علی (عالی) شیرازی ۴۶- عاقل شاهجهان آبادی
 ۴۷- غیرت ۴۸- فردوسی
 ۴۹- قدسی مسهدی ۵۰- سید فریدالدین اوزنگ آبادی
 ۵۱- کاهی ۵۲- کلیم
 ۵۳- لسانی شیرازی ۵۴- محشم کاشی
 ۵۵- میرزا معزالدین ۵۶- سیح نظامی گنجوی

- ۵۹- واقف نالوی
- ۶۰- هلالی استرآبادی
- ۶۱- هلالی همدانی
- ۶۲- یحیی کاشی

مخزن الغرایب

ابتدا

«گوهر الفاظ و صاحب بیان و لامعانی بلاغت توأمان شایسته رشته حسد حداد و ندیسر که عروس ریای سخن مودون را بجمع حواهر نگار مضمون تازه دلغریب ریاب غرقه حسن و جمال میسارده».

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این کتاب شیخ احمد علی عاشمی سدیلوی است و اسم پدرش شیخ علام محمد بن مولوی محمد حاجی است مؤلف در حدود ۱۱۶۴ هـ در سدیله دنیا آمد (و سدیله شهر است در ۳۲ مایلی شمال غربی لکهنو) چون در مقدمه «مخزن الغرایب» (تألیف ۱۲۱۸ هـ) میویسد که وی این کتاب را پس پناه و چهار سالگی تألیف کرده است. بعلمت نامرگزار و مسوئش بودن وضع اقتصادی پدر مؤلف محصور شد از کودکی خانه پدر را ترک گفتند در تلاش معاش بعبس بیافتد و بالأحره بواب عرت الله میرزا حسن سرباب جنگ بن میرزا محمد محسن برادر بزرگ بواب صدر جنگ (بواب وزیر اود مسوئش در ۱۱۶۷ هـ) مؤلف را به بواب دو العزاز الدوله میرزا نجف خان بهادر عالی جنگ معرفی کرد و مؤلف بر اثر بقود بواب عرت الله

۱- ر ك ميل تحت نام «نصف جان»

مزبور وارد رساله^۱ (لشکر) شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۱ هـ) شد.
 بعد از مرگ نجف خان که در ۱۱۹۶ هـ در زمان قتل و غارت اهالی دهلی
 روی داد احمد علی از صحبت ایرانیهایی که از حراسان و عراق و فارس آمده بودند
 استفاده میکرد و همین صحبت فصلاهی ایران در وی علاقه بشعر فارسی ایجاد نمود و
 سپس مؤلف به جمع آوری اشعار فارسی پرداخت و بالاخره در نتیجه تشویق استاد
 وی میرزا محمد حسن قنیل احمد علی تصمیم گرفت تذکره ای بنام «مخزن العرایب»
 بنویسد بقیه شرح حال مؤلف بدست بیامد

تیسره میر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۸ هـ تألیف نموده است چنانکه قطعه زیر که
 در حاشیه کتب آورده است میرساند .

گردید مخزن العرایب موسوم

این تذکره از لطف قدیر قیوم

«ختم صحف» از هاتم غیبی معلوم

تاریخ تمامیش مرآشد در خواب

(= ۱۲۱۸ هـ)

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه کتاب چنین توضیح داده است که وی
 ارس سیزده و چهارده سالگی تارمان تألیف کتاب که پنجاد و چهار سال از عمر وی گذشته
 بود عالماً اشعار غزل و اقسام دیگر شعر را خوانده و شب و روز مشغول مطالعه و آوین
 شعرا بود و چون در اول خوب فارسی بلد بود هر موقعیکه در دهلی میرفت با مردم
 حراسان و فارس تماس داشته از صحبت آنها استفاده می نمود تا بالاخره تا اندازه ای این
 زبان را یاد گرفتند و اکثر اشعار شعرای حراسان و عراق و فارس را که وی میشنید
 بر یازده های کاغذ جدا جدا می نوشت . سرانجام مؤلف میخواست از این اشعار جنگی
 ترتیب دهد اما استاد وی میرزا محمد حسن متخلص به قنیل او توصیه کرد که چون
 وی اشعاری از اقسام مختلف شعر جمع آوری نموده بنا بر این باید تذکره ای ترتیب
 الفبا بنویسد و خواننده شعر هر کدام شعر را بخواهد بتواند تا سانی آنرا در این

۱- در رساله از تقسیمات نظامی است مانند هنگ و گردان .

کتب پیدا کند و بنا بر خواهش استاد خود مؤلف «این جواهر رو اهر» را ترتیب الفبا در رشته تجریر کشید.

مؤلف اسم کتابهای زیر را در مقدمه کتاب ذکر نموده است که بنا بر قول خودش اکثر اشعار این کتاب را از این مأخذ نقل کرده است همچنین در نقل شرح حال شعرا نیز از این کتابها استفاده کرده است.

- ۱- تذکره عوفی
- ۲- تذکره دولت‌شاه سمرقندی
- ۳- مجالس العشاق
- ۴- تذکره (مجالس العایس) امیر علیشیر
- ۵- تذکره (صحاح الانس) حامی
- ۶- تذکره میرزا محمد صائب
- ۷- تذکره سام میرزا
- ۸- تاریخ بدآونی
- ۹- طبقات اکبری
- ۱۰- مجمع العایس
- ۱۱- تاریخ فیروزشاهی
- ۱۲- تذکره تقی اوحدی (کعبه عرفان)
- ۱۳- تذکره نصرآبادی
- ۱۴- هفت اقلیم
- ۱۵- تذکره لذت النساء
- ۱۶- تذکره (مرآت الحیال) شیرخان لودی افغان
- ۱۷- ۱۹- بیاض های میرزا معر و طروت و دارا شکوه و محمد اکبر بن اوزبکریب

۲۰- تذکره المعاصریں حریری

۲۱- تذکره عقیلی خان عیسی اوالد

۲۲- تذکره (مغایس المآثر) علاءالدوله

این کتاب مشتمل است بر ۳۱۴۸ شاعر متعدد و متأخر ترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تحلیص آری و از حیث تعداد شعرا دومین جامع ترین تذکره

۱- تذکره ای مابین نام نداریم ظاهراً این اشتهاء کائنات که بحای «تذکره النساء»

تذکره «لذت النساء» نوشته است

۲- ر ک اشپزگر ج ۲ ش ۲ ص ۱۴۶ در دیل شماره ۱۳

فارسی است^۱. این کتاب با «ابوسعید ابوالخیر» شروع و با «یوسف بیگ بخارائی» تمام میشود. بقول اشپرنگر مؤلف این کتاب را بنام سعد جنگ (متوفی در ۱۱۶۷هـ) نوشته است^۲. اما این درست نیست چون سال تألیف این کتاب ۱۲۱۸هـ

مؤلف در این کتاب «اشعار عاشقانه و صاف و روان و قریب الهمم و سهل ممتنع» را انتخاب کرده است و در ردیف هر حرف اول شعرای متقدم را ذکر نموده و سپس متأخرین و معاصرین را آورده است.

مؤلف در دیباچه مینویسد که وی میخواست اشعار شعرای متقدم را در این کتاب نقل کند چون مردم زمان وی از شعر شعرای متقدم حوششان میآمد و بجز پی بردن بمطالب و معانی آن خیلی مشکل بود اما در هر حال میخواست اصلاً از نقل این اشعار صرف نظر کند

مؤلف اشعار و شرح حال اکثر شعرا را خیلی مختصر آورده است و غالباً در دوسه جمله آنها را معرفی نموده و دوسه بیت را از آنها نقل کرده است
اشعار شعرای زیر را سقا معصل آورده است

ردل و حیا و رفیع شهدی و سلیم تهرانی و سعید ملتانی و ملا شریف آملی و میرزا اشرف قرویمی و شیدا و ناصر علی سرهندی و قیاص لاهیجی و کمال محمدی و مولانا رومی و شیخ معری و ملث قمی و مقیمی بهارلو و نعمت اله ولی (هر کدام در ۲ ص) و سجاسی سترآبادی و مشرب دهلوی و نظمی تهرانی و میرزا طاهر و حیدر و اعطی قروینی (هر کدام در ۲ ص) و انس یمین و میرزا رضی و طالب آملی و طهیر فاریابی و عطار و کاتبی بوشهری و مایل پردی (هر کدام در ۳ ص) و میرزا حلال اسیر و جمال الدین اصمهبانی و رهین و فقیر

۱- از روی فهرست بدلیل جامع ترین تذکره است اما جامع ترین تذکره فارسی «صحف ابراهیم» است که مشتمل است بر ذکر ۲۲۷۸ شاعر در ۸ صحف ابراهیم در این کتاب.

۲- ر.ک. اشپرنگر جلد اول.

دهلوی و مسیح کاشانی و نستی و هلالی (هر کدام در ۳ ص) و حاقانی و عثمانی و سعیدی
 تهرانی (هر کدام در ۴ ص) و اهلی شیرازی و سلمان ساوچی (هر کدام در ۴ ص) و فخر-
 الدین حر حابی و میر بجات اهر کدا در ۵ ص) و ابوری و کمال الدین اسماعیل و والد
 (هر کدام در ۵ ص) و نائی (در ۶ ص) و طه پوری و عرفی و کلیم و نوعی حوشانی (در ۷ ص)
 و امیر خسرو (در ۷ ص) و فیضی (در ۸ ص) و محتشم (در ۹ ص) و حریری و بنفائی
 (هر کدام در ۱۰ ص) و حامی در (۱۱ ص) و صائب و فغانی (هر کدام در ۱۲ ص) و سعیدی
 و بطیری (هر کدام در ۱۳ ص) و قتیل (در ۱۷ ص) و وحشی بافقی (در ۲۶ ص).

روپهم رفته اشعار و وحشی بافقی را از همه مفصل تر آورده است

گاهی در دیل نام بعضی شعرا بعضی مطالب و اسعار متکلی را شرح داده

است مثلاً رجوع شود به نام حاقانی

شرح حال شعرای زیر را از سایرین مفصل تر آورده است

ابراهیم ادهم و اسنا و سعیدی و سرخوس و سعید ملتانی و ملا شاه بند حسانی و عطار
 و مطهر و ناصر خسرو و میر معصوم نامی و نواب عماد الملک (هر کدام در یک ص)
 و یرم خان و امیر خسرو و سرد و تیدا و احمد عرالی (هر کدام در ۱ ص) و میرزا
 محمد امین خان و حیدم (هر کدام در ۲ ص) و نواب میرزا دین العابدین (در ۲ ص)
 و حامی (در ۳ ص) و سید اشرف جهانگیر سمانی (در ۴ ص)

انگیز سمانی را از همه مفصل تر

آورده است

در دین نامه ملث قبی ناره ای ارزش آورد اشعاری در رجوع ملامتلی نقل کرده

است که بسیار مندل است و قسمت آخر آن بر اصابع لفظی میباشد

گاهی بر اشعار بعضی شعرا اصلاح نموده است مثلاً در دیل این بیت

شمس الدین فقیر دهلوی

روز بجانم غیر ددل آزادی گرا عمیم سر راه انتظار کند

میورسد بجای لفظ عمیم اگر هلالی وجه است ساید رسد باشد.

ردیل نام بعضی شعرا بطور اغراق آمیزی از آنها تعریف کرده است چنانکه در دیل نام شعائی اصفهانی میگوید: «اوهام فصلاً و خیال بلعاً از توصیف آن عاقر آید»

سبک ابتدای مؤلف عالماً ساده و عاری از تکلم و تسمع است اما گاهی چند کلمه توصیفی قبل از اسم یا تحلیص شاعر آورده است مانند «مهر مپهر شریعت آفتاب عالمتاب حقیقت سلطان المسایح ابوسعید ابوالخیر» یا «زرة الاولیاء موقدرة العرفا شمس الانوار شیخ فریدالدین عطار» یا «صاحب صوت (و) معنی عین القضاة همدانی» غیره

سخن خطی

- ۱- اسپرنگر ۱۷ (کتابخانه ده قرچ بخش) ۲- دلیلی ۳۹۵ (۱۳۲۵هـ)
- ۳- بانکوی پو. ح ۸ ص ۴- ۷۱۳ (۱۳۲۴هـ) ۴- زیو تکلمد ۱۰۷ (صف اول کتاب قرن ۱۹ م)
- ۵- ریو ح ۳ ص ۱۵-۱۰ (سا ۳۵ ساعز دارد مورخ ۵۱-۱۸۵۰م)
- ۶- دانشگاه لاهور دحیره پروفیسور شرایبی
- ۷- اعظم گرده دارالصفیر (خروج سوره محله اه ریس کالج لاهور ح ۳ ص ۲ فوریه ۱۹۲۷ م ص ۳۶)

فهرست اسمی شعرا

رجوع سبده به بادلین ستودنای ۹۶ - ۳۱۷ و یونیو - کریان - ۱۳۱۲

۱۳۶۲-

برای شرح حال مؤلف رجوع سبده محسن العریبی و استوری چند

سفینه‌هندی

ابتدا

«حمد و سپاس آفریدگاری را رواست که سخن سخنان اسرار قدرت عالم را
ارپرده غیب بشهرستان وجود حلوه گر ساخته و درود نامحدود مهر سپهر رسالت را
سزاست که انوار تحلیات حاودایی مجمع اسرار مشاهدات معانی گردآینده»

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره بهگوان داس^۱ است و او اول سمل تخلص میکرد
و بعد تخلص هندی^۲ را اختیار نمود وی پسر دوم دلپت داس بن هرسس رای است که
از قوم کایسته (هندو) بود و وطن اصلی وی کالپی و مسکروی سوندها بود موهن لعل ایس
در «ایس الاحنا» میویسد که وطن اصلی بهگوان داس مکده کالجر از مصافات صونه
(استان) مالوه است

-
- ۱- مصححی در تذکره «عقد ثریا» (سجده را مهور هند) ذکر می‌کند که «راحه بهگوان داس»
آورده است که صونه دار (استاندار) کتھیر بوده با احتمال قوی منظور همین بهگوان داس
هندی است که رای بود به راحه (رک صمیمه الف سعید هندی چاپ پته هند ص ۲۷۷)
 - ۲- در «ایس الاحنا» تخلص بهگوان داس سمل ذکر شده و در فهرست نامکی پور نیز
«هندی» بعنوان تخلص بهگوان داس بیامده است ولی چون مؤلف شرح حال خود را
در ردیف زها، آورده و بر آنجا تذکر داده است که وی در اول سمل تخلص داشت با احتمال قوی
هندی تخلص آجروی بوده است.

دلپت داس پدر مؤلف با پدر خود در زمان نظامت نواب برهان الملك بهادر متوفی در ۹ ذوالحجه ۱۱۵۱ هـ) بدعوت عم بر رك خود بلاقی داس که در آنوقت بسمت مشرفی تصحیح (؟) شمالی سپاه مختار بود (ظاهرآ از سوندها) به لکنو رفت و پدر کریم دادخان رونق را که به مکتب داری نامور بود همراه خود برد و از زمان نواب (برهان الملك) تا اواخر زمان آصف الدوله بهادر (۱۱۸۹ - ۱۲۱۲ هـ) در سلك ملازمان عالی رتبه منسلک بود و برهان هندی (برج بهاشا) در حمد خدا اشعاری چند سروده بود.

بهگوان داس (چنانکه خودش در سفینه هندی مینویسد) در صیدپور از توابع سلك در سال ۱۱۶۴ هـ در منزل حد مادری خود لاله رام غلام قانون گوی آنجا بدینا آمد و صی جوان بخت «ماده تاریخ تولد وی میباشد. هنوز دو سال بیش نداشت که از آنجا وی را پیش پدر لکنو بردند چون بس تمیز رسید برد مولوی سید یوسف سهارپوری صری و نحو و کتب متداوله فارسی و رسائل علوم دیگر را خواند سپس با انتخاب دو اوین اسانید و مطالعه کتب تاریخ و تذکره توجه کرد و در همان اوان شاعری آغاز نمود

مؤلف اول سمل تحلیف داشت و چندی بعد هندی تحلیف اختیار کرد و در فن شعر شاگرد محمد فاحر مکین (متوفی در ۱۲۴۱ هـ) بود و در جوانی سمب میر بحر را داشت و تمام استان اله آباد از طرف نواب مختار الدوله بهادر شامل حوزه حکومت

۳- نواب برهان الملك سید سادات خان بیجاپوری که اسم وی محمد امین بود. برای شرح حال وی رجوع شود به سفینه هندی چاپ پته ص ۳۳-۳۶ وی موسس سلطنت اود بود. بعد از وی برادرزاده و دامادش سید رحك صوبه دار اود شد حد بهگوان داس هر سیرای متصدی (مشرف سپاه) نواب برهان الملك بود (ر ك سفینه هندی چاپ پته در دلیل نام برهان الملك ص ۲۶) برای شرح حال او نیز رجوع شود به حرانه هائمه ص ۲۴-۲۶

وی بود. سپس در خدمت نواب آصف الدوله بهادر بدیوانی میرزا راجه بدھی سنگه بهادر که صاحب قوت و خاکگیر و مالک خدمت سرکار حیر آباد و سیلک شده بود، در آمد و از حضور (وی) صاحب دستخط شد چنانچه پانصد سوار بدستخط (نامضای) وی استعدا شدند.

بعد از فوت راجه مرهور بهگوان داس مصاحب و ندیم پتر چند بهادر که «مالک سپاه و کار حاجات و خاسامانی» آصف الدوله بهادر بود، شد و چون راجه مرهور برفوت کرد وی مصاحب معتمد الدوله مشیر الملک مهاراج ادھراج مهاراجه تکیت رای در اندر بهادر صلاب جنگ (متوفی در ۱۲۱۵ هـ) نایب بدیوان و دیر المعالک نواب آصف الدوله بهادر مقرر شد. سپس رای حی سنگه رای وی را مورد لطف و عنایت قرار داده بقدر و مرتبه وی افزود. مؤلف این احوال را معصوم در قصیده «سب نامه» و تدکیر «حدیقه هندی» که امروزجا نمانده است) شرح داده است.

مؤلف باهن ماده تاریخ گوئی خیلی علاقه داشت و در ردیل نام بعضی شعرا ماده تاریخ هائی که گفته آورده است ممتاز و خویش شود به نام مکین و قطعه تاریخ نالیف این کتاب که در حاتم آورده است

بقید احوال زندگی بهگوان داس خدمت بیامد

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱- مشوی سلسله المحبت - بروزن سلسله الذهب مولانا حامی که یکپار بیت دارد و متضمن احوال «حبیب گت» که معاری عطار د فلک گوید بروزن قران السعدین

۱- ابجا و میرزا، طاهرأ معنی شریف و ارمانو اعیان آمده است چنانکه موهی

لعل ایسر در ایس الاحنا در ماده بهگوان داس هندی در دیل شرح حال وی میویسد «میرزا وضع (و) پاکیر» گفتار آمد، در حال استعمال این کلمه با اسم یکسر عدد و حبیب نظر

میاید ۲- صاعرأ ادعیراج

خسرو دهلوی گفته است^۱.

۲ - مثنوی مظهر الانوار - بروزن محزون الاسرار نظامی

۳ - مثنوی بها گوت - مسمی به مهر ضیا - بروزن یوسف و رلیحای حامی

۴ - دو دیوان فارسی بنام «دیوان شوقیه» و «دیوان ذوقیه» شامل قصاید و غزل و

ترجیع بد و سایر اقسام شعر

۵ - تذکره «حدیقه هندی» - مشتمل بر احوال «شعرا ی ماضی و حال» که

در هندوستان تولد یا نشو و نما یافته اند را ابتدای ظهور اسلام تا سده یکم از دو بیست هجری

این کتاب هم تذکره و هم تاریخ است

۶ - رساله سوايح النبوة - متضمن احوال حضرت رسول و دو آورده امام بزمایش

سید حیرات علی

۷ - تذکره سفینه هندی - تذکره مورد بحث^۲

تصیره بر کتاب

مولف این کتاب را سال ۱۲۱۹ هـ تألیف کرده است چنانکه در مقدمه سده

۱۰۰۰ که در او دو صد و نوزده هجری مطابق سال چهل و هفتم

ماه عالم ثانی است، و در حاتم این قطعه آورده است که سال تألیف کتاب (۱۲۱۹ هـ)

امیر ساند

یازد برسد گپی زوالی

ادب باعجه زار - ۱ -

سد باعجه بهار سالش

گلهای خرد درو شکفته

(= ۱۲۱۹ هـ)

اما بعداً بعضی مطالب را در این کتاب آورده است چنانکه در ذیل درم حسن

علیحضرت دهین^۳ می‌ویسد و بعداً (۱) تألیف این صحیفه بتاریخ شهر حمدی^۴ اول سده

۱ - راجع این الاحاد در ذیل نام بیگوان داس هندی

۲ - میرزا «سفینه هندی» نسخه‌ای از حیچکد - از کتب فوق مروری حاصل شده است

پنجاه و دو بیت «جری و قات یافت» .

در باره سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح داده است :

«اما بعد ناز پرورده بیازمندی بهگوان داس هندی به نگارش میآورد که سابق در سنه یک هزار و دو بیست (۱۲۰۰هـ) تذکره حدیقه هندی مشتمل بر حالات شعرای معاصر و حال که در هند تولد یا نشوونما یافته اند به قید قلم شکسته رقم در آورده و بعضی علوم مفیده درو مندرج نموده. آن حدیقه ایست جانترا و آن تألیفی است دلگشا. حالا که یک هزار و دو صد و نوزده هجری (۱۲۱۹هـ) مطابق جلوس سال چهل و هفتم پادشاه بحر و بر شهنشاه گردون فر... شاه عالم ثانی... است احوال شعرای معاصرین را از آغاز جلوس فردوس آرامگاه (یعنی محمدشاه که در ۱۱۳۱هـ تحت سلطنت نشست) از صد تا یکجا کرده تألیفی دیگر ساختم»

مؤلف اسم کتابهای ریرا در ضمن شرح حال شعر آورده است و از آن معلوم میشود که وی در تألیف کتاب از این کتابها استفاده کرده است .

۱ - مجمع النفایس رجوع شود به نام آرزو و امانت و ثبات و کور بخش .

۲ - ریاض الشعرا - رجوع شود به نام باقر و ثبات و حشمت و راغب و سودا و

حدیقه سلطان و ظیب و واله و یکتا .

۳ - ید بیضا - رجوع شود به نام احمد یار جان یکتا

۴ - تذکره معاصرین حرین - رجوع شود . نام ملاحیضا

این تذکره مشتمل است بر تذکره سیصد و سی و پنج شاعر بترتیب العبائی از روی حرف اول اسم یا تحلیص آنان که از جلوس محمدشاه (۱۱۲۱هـ) تا ۱۲۱۹هـ (سال تألیف کتاب) در هندوستان میریسته اند این تذکره با «آفتاب (ابوالمظفر عالی گوهر)» شروع شده با «یکتا (محمد اشرف)» تمام

مؤلف در مقدمه این کتاب توضیح داده است که منظور وی از جناب ارشاد مآر

میرزا محمد فاخر مکی و از فردوس آرامگاه محمدشاه پادشاه هند است .

این تذکره مختصر است و مشتمل بر ۲۶۶ صفحه (از روی حاب پتله) میباشد

و مؤلف غالباً شرح حال شعرا را مختصر (در نیم صفحه) آورده است و از هر کدام سه چهار بیت نقل کرده است.

تاریخ تولد و وفات شعرا را اصولاً کمتر ذکر نموده است و علت آن ظاهر آنست که بودن مؤلف با شعرا می باشد. شرح حال بعضی شعرا خیلی مختصر است و در مورد برخی دیگر مفصل است ولی این امر مبنی بر اهمیت مقام شاعر نبوده بلکه موجبات دیگری مانند آشنائی و مناسبات مؤلف با شاعر یا مقام و موقعیت و حسب و نسب وی بوده است مثلاً شرح حال آفتاب پسر عالمگیر ثانی را مفصل آورده است و لولوا اینکه از وی تنها یک بیت نقل کرده است اما شرح حال میرزا ارجمند پسر میرزا عبدالغنی را در یک سطر آورده و از وی یک بیت نقل کرده است.

این تذکره تنها شامل حال شعرائی است که مؤلف با آنان آشنائی داشته و به همه گویندگان فارسی زبان آن زمان هندوستان و از این به اهمیت فارسی در دیار هندوشیوع آن در آن سیرزمین بحوی می توان پی برد.

مکتبه مهم تاریخی که از این تذکره بدست می آید کثرت مهاجرت اهل ذوق و فن از ایران به هندوستان در این زمان است چنانکه می بینیم که اغلب این گویندگان در اواخر عهد صفوی و زمان نادر شاه از نقاط مختلف ایران به هندوستان مهاجرت کرده اند. اسامی بعضی شعرا که در این تذکره از آنان یاد شده و اصلاً از ایران بدیار هندرفته بودند برآورد است.

۱ - قرلباش خان امید که مولدش همدان بوده و در اصفهان نشو و نمایافت و در اوایل عهد بهادر شاه وارد هند گردید (ص ۶)

۲ - احمد علی خان ایمن که مولدش قم بوده و در زمان اورنگزیب وارد هند شد و در حنک نادر شاه در کرناال شهید شد (ص ۸).

۳ - میرزا محمد امین ازل در ایام محاصره اصفهان در ۱۱۲۳ هـ فوت کرد (ص ۹).

۴ - میرزا محمد شفیع سملارا کابیر بلده بيشاپور است (ص ۲۳).

۵ - بدیع نضر آبادی (ظاهر نصر آبادی) در تاریخ یکی از عمارات شاه سلطان حسین (صفوی) قصیده زبانه از صدیبت نظم کرد . (ص ۲۴)

۶ - آقای صالح برهان مولدش هازندران است است و مدتی در هندوستان اقامت گرفته . (ص ۲۵) .

۷ - محمد باقر بیگ از میرزا زاده های ایراست برفاقت نادرشاه در هندوستان رسید (ص ۲۶)

۸ - برهان الملک نیناپوری در عهدسلطنت نادرشاه از ولایت (ایران) بهمد آمد (ص ۳۶)

۹ - شیخ محمدعلی حرین چون نادرشاه بر ایران تسلط یافت شیخ را آصحا دل برداشته بهمد متافت (ص ۵۱)

۱۰ - ذره پسر محمد باقر مجلسی هنگام محاصره از اصفهان برآمده (ص ۸۹) . علاوه بر شعرائی که فارسی زبان و ایرانی الاصل بوده بسیاری از شعرای مدکور این تذکره هندی الاصل و جزو امراء و راجاهای هند بودند و تعداد آنان نیز در این تذکره کم نیست و از شعاری که مؤلف از آنان آورده است معلوم میشود که آنها نیز تسلط کامل بر زبان فارسی داشته اند و در ذوق و شوق شعر دست کمی از شعرای ایرانی الاصل نداشته اند .

اشعاری که مؤلف در این تذکره انتخاب نموده است بطور کلی بسنگ هندی است ولی در انتخاب این اشعار مؤلف ثابت کرده است که خودش نیز با ذوق و حال بوده است اکثر اشعار را مؤلف از غزلیات انتخاب نموده است و هر در یکی دو مورد به نقل انتخاب قصاید مبادرت نکرده است چنانکه در ذیل شرح حال خود قصایدی که در مدح سروده صط نموده است .

در بین شعرای مذکور یک معرزن شاعر بنام حدیجه سلطان بگم نت عم جان و اله (مؤلف تذکره ریاض الشعرا) یاد کرده است و اشعار وی را نیز نقل کرده است (ص ۱۱۱ این کتاب) .

این تذکره جلوی ذکر شعرای معاصر مؤلف میباشد و چون وی با کثر آنان آشنائی یادوستی داشته بنا بر این با اینکه شرح حال آنها را مختصر آورده است ولی هر چه نوشته است معتبر و قابل اعتماد میباشد

در ضمن شرح حال امرا و شاهزادگان و سلاطین معاصر گاهی مطالبی آورده است که از نظر تاریخ معاصر دارای اهمیت فراوانی میباشد مثلاً رجوع شوره به آفتاب و یواب برهان الملك و محمدشاه پادشاه و محمد برهان علی خان رهین . و چون مؤلف غالباً شاهد عینی این وقایع بوده است بیانات وی مورد اعتبار میباشد

گاهی در ضمن شرح حال برخی شعرا بعضی حکایات حال درباره آنان نقل کرده است مثلاً رجوع شوره به نام اکسیر و منشی و احمدیار خان یکتا .

در ردیل شرح حال بعضی شعرا مؤلف تذکره کرده است که شرح حال مفصل آنان در تذکره دیگر خود نام «حدیقه هندی» آورده است (رجوع شود به نام آفتاب و نگین) اما متأسفانه امروز تذکره مرزبانها نامیده است .

تنها شرح حال شعرای ریز را مفصل آورده است :

آفتاب (یا صفحه) حریر (۱۷ص) و مکین (۱۷ص) و هندی (در دو صفحه)

فقط اشعار شعرای ریز را مفصل نقل کرده است :

حریر (۲ صفحه ۲۴ بیت) و قرین (۴ ص ۵۹ بیت) و مکین (۴ ص ۷۱ بیت)

و هندی (۱۶ ص ۱۱۲ بیت) .

مؤلف ناشیخ علی حریر فوق العاده ارادت داشت و در ردیل نام شعرای ریز عقیده و در درباره آنان ذکر نموده است آرزو و ناسطی و میر عبدالعنی .

در ردیل شرح حال شعرای ریز توضیح داده است که با آنها ملاقات کرده است .
 شاه نصیح افصح و ساه حمل و میر ساه و لاله بیحدته ایس و رای ساه سگه
 بیدار و سیح بقا و میدی لعل بیما و حواحد ناسط و سلام اله تسلیم و علامه حسین حسن و
 جعفر علی حسرت و محمد حسن حسن و در این خوشگو و رای سرب سگه دیوانه برای
 دیوانه دولت و محمد حجت خان زاهد و رای کپیچ برای ریز میر عنایت بیگ سگه

و محمد صدیق سخنور و رای بال گویند شاد و دینی پر شاد شاد و بلبل میکند شهرد و نظام الدین
سانع و محمد صکر عیاش و منشی بهکاری لعل عزیز و شیخ محمد عاشق و عشق و میر علام
حسین دهلوی و میر شمس الدین فقیر و کهن چند قریب و توان محمد خان محبت و ملهار
سنگه مکن و رای میکو لعل مستانه و میر محمد تقی میر و بهوری سنگه مشرب و محمد
واصل خان واصل و میر را ابوعلی هاتف .

در ذیل نام شعرای زیر « ماده تاریخ » فوت آنان را که دیگران سروده اند

آورده

آرزو . آرزو رفت از جهان افسوس انعام (عمدة الملک) : غم عمده

(= ۱۱۵۹)

انصاف : بردا مضجعه بیخبر : (یک بیت از قصیده آزاد در تاریخ فوتش)

درگاه قلی خان : خدایش بیامرزد ساکن . اهل دینی ساکن فردوس گشت

(ارمؤلف)

سالک : از جهان رفت ربه العقر حاجانان مظهر مظهر کل (از آزاد)

اطلاعات زیر در تذکرها های دیگر قیامده است

۱ - میر عظیم شات : در تالیف ریاض الشعرا باعلیقلی خان و اله تخلص معاون

مانده (ص ۴۵)

۲ - رای مکه رای شوق : در آن ایام (۱۱۷۰ هـ) تذکره مسمی به سفینه الشوق

تألیف می نمود (ص ۱۱۵) .

۳ - شیخ صیف (سیف) الدین محمد طبیعت : تذکره الاولیا و تذکره الشعرائی

نیر تألیف کرده (ص ۱۲۸) .

اما عجب آنست که مؤلف ارو خود تذکره «مردم دیده» حکیم حاکم لاهوری

اطلاع نداشت و در ذیل شرح حال حکیم اشاره ای باین تذکره ننموده و اروی مختصراً

در دوسطر یاد کرده و بیت نقل کرده است

سبک‌انشای مؤلف

سبک انشای مؤلف غالباً ساده و روان است و بعضی اصطلاحات و اسعارات و کنایات دور از ذهن که در بعضی آثار نویسندگان فارسی‌زبان هند نیز موجود است (مانند آزاد و خوشگو و غیره) در این تذکره نادیده او است. به بعضی نکات و مختصات سبک‌انشای مؤلف در اینجا مختصراً تذکره داده میشود.

۱- بعضی اصطلاحات و بدعت‌های لفظی دارد مانند منصب پنجه‌راری سرفراز کناید (بجای کرد) (ص ۹۳). هندوستان را بجای هندوستان زاده (رجوع شود به نام حلیر) و نبیسه بجای بسه (رجوع شود به نام عاصی) و میگویانند (گویانندن = فعل متعدی از گفتن - رجوع شود به نام محمدشا).

۲- بعضی کلمات فارسی را بر روش عربی جمع بسته است مثلاً سامجات جمع نامه.

۳- گاهی بعضی کلمات اردو را تکرار کرده است سواج عمری بمعنی شرح حال (حن ن) نواسه بمعنی نسه حرد) و چوتره بمعنی مصطبه (حرین) و سیاهی به معنی سرباز (حشمت) و تعنات شد بمعنی منصوب شد (حیران) و هوروشی بمعنی ارشی (درد) صوبه بمعنی استان (زایروسخور و غیره) و پروانه بمعنی نامه بحوار (منخور) حایگیر بمعنی املاک (ساطع) و کملی بمعنی پتو (محمدشاه) و حکاء بمعنی ناحیه (مکین).

۴- املائی بعضی کلمات و اسامی هندی را بحط اردو آورده است. مثلاً رجوع شود به شرح حال دولت و راجه رام رائن و راجه سورا ئنج و روشن و سحور و سواد و قتل و مخمور و منت و مستانه و مانئل و تراد و ورسته.

۵- بجای عبارت «موت شد» حملات مصوع آورده است

امید در سه ۱۱۵۹ مرص سلته رحمت هستی بسوی عالم بقا کشید
سجده خار در همان سال (۱۱۵۲) رحمت حیات مستعار را از بر کشید

دهیر . نقد حیات (را) به قاصد ارواح سپرد .

فقیر . کشتی حیاتش عریق بحر رحمت شد .

۶- گاهی قبل یا بعد از اسامی بعضی شعرا القاب توصیفی به شرح مسجع آورده است .

خرین : فرما بروای اقلیم سحوری و کشور گشای مملکت یلاع گستری

مکین : مهر برج فضل و کمال و ماه سپهر عرو و حلال

سخن مختصی

تھا یک سجدہ از این کتاب در کتابخانه خدا بخش پتہ موجود است کہ بخط مکین لال اس و در بہم حمادی الاخری سہ ۱۳۲۰ هـ (سال اتمام تألیف کتاب) بخط شکستہ اینساج شدہ است (رجوع شود بہ فہرست بانکی سورج ۸ ص ۷۱۵)

چاپ

در پتہ ہند ہمتا . و تصحیح سیدشاہ محمد عطاء الرحمن عطا کا کوی استاد ادارہ تحقیقات عربی و فارسی پتہ بہار ہندوستان سال ۱۳۷۷ ق = ۱۹۵۸ م . طبع سگی رسیدہ و باوجود اینکہ اعلاط چاپی وغیرہ در آن ریزد اس کہ غالب آن ظاہراً ملب کم سواد بودن نسخ سجدہ اصلی (مکین لال مد کورہ فوق) اس اما رحمتی کہ مصحح آن در تہیہ توصحات سودمدی و فہرست اسامی و اماکن و کتب تدکرہ مقابل تقدیر و تمجید میاتند

برای شرح حال مؤلف رجوع شود بہ سفسدہ ہندی و ایس الاحنا و استوری ح ۲ ص ۲ = ۸۸۲

برای فہرست اسامی شعرا رجوع شود بہ تدکرہ « سعیدہ ہندی » چاپ پتہ ہند

تذکرہ - تبصرہ بر این کتاب مقالہ ای کہ در فہرست اسامی زتان سال دوم

شماره پنجم از طرف انجمن کتاب تهران در باره سفینه هندی چاپ شده است بیرمود
استعاره نگارنده قرار گرفته است

طبقات سخن

مؤلف

اسم مؤلف شیخ علام محی الدین قریشی میرنهی است که اول مبتلا تخلص میگرد
و بعد عشق تخلص اختیار کرد (برای شرح حال و آثار او رجوع شود به بحث در باره
مجموعه عشق در این کتاب)

تصویر کتاب

مؤلف این کتاب را سال ۱۲۲۲ هـ تألیف نموده است چنانکه اسم آن «طبقات
سخن» از روی انجمن میرساند

این تذکره از حیث اصالت مطالب خیلی مهم و نادر است و شرح حال
شعرا در این تذکره آمده است مؤلف خود من نوشته است و در حدی دیگر نقل
با اقتباس آمده است

۱- طبقه اول - مشتمل است بر ۹۶ شعر ریخته اردو

۲- طبقه دوم - مشتمل است بر تذکر شعری مع صرف فارسی

سخن خطی

۱- اشعار نگ - ۵۳

فهرست اسامی

برای فهرست اسامی شعرای طبقه اول رجوع شود به فهرست برلن

۶۷۵ - ۶۷۶

تذکره کاتب

ابتدا

شعله که نواله اخگر اورمین و آسمان را فرو گرفته منورسازد .

شرح حال مولف

اسم مؤلف این کتاب میرزا محمدعلی کاتب صعوی است که در اول شاهزاده ابوالمنصور میرزا محمد سلیمان شکوه پسر شاه عالم (۱۱۷۳ - ۱۲۲۲ هـ) اورا برای استنساخ دواوین فارسی وارد و استخدام نمود و سپس وی مصاحب و کاتب سلطان ابوالفتح محمد صعوی متخلص به مطلقوی گردید سلطان ابوالفتح مرثور اسماً آخرین پادشاه صعوی بود که محمد خان وی را در ۱۲۰۰ هـ در تهران پادشاه اعلام کرد اما بعداً وی در ۱۲۰۵ هـ بسند فرار نمود و بالاحرحه در ۱۲۱۰ هـ در لکنو رحل اقامت افکند

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را بسال ۱۲۱۵ هـ تألیف نمود چنانکه این قطعه که در پایان کتاب آورده میرساند

گردید بدهر نام کاتب موسوم
کم کن تو صد ارتذکره گردد مفہوم

شد تذکره از فضل قدیر قیوم
تاریخ تمامی گفتا هاتم

(چون از اعداد تذکره (= ۱۳۲۵) عدد ۱۰۰ منها کنیم ۱۲۲۵ باقی میماند
و همان سال تألیف این کتاب است).

در مورد سبب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد که وی
در خدمت سلطان ابوالفتح محمد صفوی سمت میر منشی را داشت سلطان صفوی
وی را امر کرد که اشعاری را که در موقع مطالعه «مخزن العرایب» وی روی آنها نشان
گذاری کرده بود جمع کند و همچنین شرح حال شعرا را که سلطان در «تحفة
الشعراء»^۱ بیاورده نیز علیحده تهیه کند بنا بر این کاتب «تعمیلاً لحکم السلطان» این
تذکره را ترتیب داد و بمناسبت سمت خود اسم آنرا «تذکره کاتب» گذاشت.
شرح حال اکثر شعرا در این تذکره مختصر آمده است و تقریباً تمام آن
از «مخزن العرایب» نقل شده است. البته اشعاری که در این کتاب گردآوری شده
است نشانه دوق خوب گرد آورده میباشد

ترتیب اسامی شعرا از روی العبا است و شاعر اول در این تذکره سید شریف
جهاگیر سمنانی و شاعر آخر محمد اشرف یکناس است

روی هم رفته این کتاب زیاد اهمیت ندارد چون تقریباً تمام مطالب آن از محروم
العرایب و کتب دیگر نقل شده است و بنا بر این از حیث اصالت تقریباً هیچ

نسخه خطی نسخه منحصر بهرد آن در رامپور موجود است که تاریخ ندارد
و مشتملست بر ۲۹۰ صفحه (رجوع شود به مجله اورینتال کالج لاهور ج ۶ ش ۲ مورخ
فوریه ۱۹۳۰ میلادی ص ۱۰۸ - ۱۱۱ و ج ۱۸ ش ۱۳۲ ص ۱۱۲ و تدیر احمد

ش ۸۱)

۱ تحفة الشعراء چنانکه از سیاق عبارت پیداست تذکره‌ای بوده که سلطان محمد
صفوی آنرا ترتیب داده بود اما اسم این تذکره در هیچ جای دیگر ذکر شده و سجدای عم
از این کتاب امروز باقی نمانده است. تذکره‌ای به همین نام را میرزا افضل بیگ قاشقال آورده
آبادی در ۱۱۶۵ هـ تألیف نموده است (رجوع شود به بحث درباره تحفة الشعراء
در این کتاب)

ریاض الوفاق

ابتدا

«در شکرستان شکرشکمی شکر و سپاس با طق بطق ...»

مؤلف

اسم مؤلف این کتاب ذوالفقار علی متخلص به مست است (شرح حال مؤلف بدست بیامد).

آثار دیگر مؤلف بدین قرار است:

- ۱- داستان حقوق در اخلاق
- ۲- انتخاب سجع طیبه ابواب حسان
- ۳- مجموعه غزلیات «ناغ و بهار» و «بیاض بو طرر»
- ۴- تحفة المستدی در فن اشاء
- ۵- نگارستان نظایر مجموعه اقتساماتی است که در اشاء آنرا میتوان

بکار برد

- ۶- رساله‌ای در ناره سبک شعرائی متقدم و معاصر با نمونه اشعار
- ۷- بهارستان صمایر - مجموعه اشعار مؤلف
- ۸- لطف سخن - در شرح اقسام سخن (شعر)
- ۹- بیرنگ طهور در بیان «دات» های مختلف در هند (یعنی طبیعات مختلفی که در بین هندوها معمول بوده است)

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را پسال ۱۲۴۹ هـ در بارس (هندوستان) تألیف کرده است

و اسم کتاب «ریاض الوفاق» (= ۱۲۲۹ هـ) از روی ابجد سال تألیف کتاب را
میرساند.

این کتاب مشاعلمست بر ذکر صد و چهل و دو شاعر متأخر از کلکته و بنارس
که فارسی شعر میسروده اند و با محمد اسلم بلگرامی شروع شده با یعقوب، خواجه
یعقوب علی، تمام میشود.

اکثر شعرائی که در این تذکره ذکر آنان آمده است معاصر مؤلف و برخی
از آنها از آشنایان او بوده اند و بنا بر این شرح حالی که مؤلف در این تذکره
از آنها آورده است قابل اطمینان و اعتماد میباشد. اکثر این شعرا بر مان اردو نیز
شعر میسروده اند

نسخ خطی

۱- اشپیرنگر ۳۶ = ۲- برلن ۶۶۵

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به اشپیرنگر ص ۱۶۵ - ۱۷۲

فشر عشق

انتدا

جمع محامد مر محمودی را نه سعه جامع موجودات ز دنلم قدرت و عداد
ارادت بر صعه تحریر فرمود و تمامی مدایح آن ممدوح را که کتب مسبودات را

ملكك جواهر ملك تكوين و سواد تقرير بر سفینه اختراع و پيام ابداع
تسطير نمود.^۹

شرح حال مؤلف

مؤلف این کتاب آقا حسین قلی خان متخلص به عاشق عظیم آبادی و کنیت
وی ابو محمد و اصلش از خراسان است. حدا و نواب عسکرخان است و حد بر رگ
او نواب عیسی خان از شهر جام در آغاز سلطنت احمد شاه (۱۱۶۱-۱۱۶۷ هـ) باتفاق
بعضی ارماتعلقین و وابستگان به در الخلاقه شاه جهان آباد (دهلی) رسیده و آنجا
سکونت گزید. اجداد او در ملارمت سلطان احمد شاه و عالمگیر ثانی در آمده
بلقب نواب و خان بهادر و مناصب عالی گاهی به بعضی کارحاجات حصولی و
برخی ماتظام محالات و چکله داری- رافرار شده و در مدت قلیل حشمت و اقدار
کثیر اندوخته به کام دل زندگانی مینمودند. بالاخره حد بر رگش در سال پنجم جلوس
احمد شاه مطابق سنه ۱۱۶۵ هـ فوت کرد.

جد مؤلف نواب عسکرخان تاعهد عالمگیر ثانی با عرت و احترام رسیدگی
میکرد. موقعیکه احمد شاه درانی به هندوستان حمله کرد و حرا به شاهی حالی شد بعضی
ار مصاحبین پادشاه باو پیشنهاد کردند که املاک عسکرخان را توقیف نماید و بنا بر
توصیه آنها و بامر پادشاه سی هزار اشرفی (سکه طلائی) و بیست و دولک (دویست
و بیست ملیون) روپیه (سکه نقره ای) نقد و دو عرانه ظروف طلا و آلات نقره و
اشیای دیگر را بحرا به شاهی بردید. در ۱۱۷۰ هـ موقعیکه احمد شاه درانی برای
دفعه پنجم حمله کرد بعضی از مردم لشکر عسکرخان زادر حال تلاوت قرآن بقتل
رساندند

جد مؤلف سه سرداشت که آقا علی خان شاهجهان آبادی پدر مؤلف
ار همه کوچکتر بود و در وقت فوت پدر سی او دو سال بود چون نواب میرالدوله
که از حویشا و بدان بر دیک جد مؤلف بود بوزارت شاه عالم (۱۱۷۳-۱۲۲۲ هـ) رسید

و خیر فوی عسکر خان را شنید بازماندگان او را بهاله آباد نزد خود خواند و آنها دو سال در آن شهر بودند. سپس منیر الدوله که در عظیم آباد املاک زیادی داشت بآنها منزلی داد و برای کفالت آنها مستمری مقرر نمود.

آقا علی خان پدر مؤلف بعد از رسیدن بس تمیر و اتمام تحصیلات کنشده شد و از سن بیست و نهمت و بیست و پنج سالگی بهدار فوت منیر الدوله نایب و نواب محمد شجاع قلی خان با احترام تمام بخدمت رسید و سپس بخدمت نوابهای دیگر بوده و بالاخره به عظیم آباد (پتنه) مراجعت کرد و چون وی به پناهنده برای فروش بعضی سواحل میرمت وی را آقای کنگم^۱ ضلعدار اتاوه نزد خود خواند و در ۱۲۱۶ هـ به تحصیلداری چند پرگنه مانند شکوه آباد و فیروز آباد مقرر نمود^۲ و بوقت تألیف دفتر عشق^۳ وی بر همان منصب مأمور بود. همچنین دو عم مؤلف بر مناصب عالی در خدمت بعضی نوابان بخدمت رسیدند

مؤلف در ۱۱۹۴ هـ در عظیم آباد بدیا آمد تا سن چهارده سالگی اکثر اوقات خود را در فرا گرفتن زبان فارسی و تاریخ و صرف و نحو سر برده و با اتفاق پدر بسیر و سیاحت نقاط مختلف کشور رفته و غالباً در صحبت شعرا بوده اما از تحصیل عربی بی بهره ماند

مؤلف در موقع تألیف این کتاب از مدت هفده سال در خدمت کمپانی هند شرقی بوده و آنوقت تحصیلداری سپری بود
مؤلف بفارسی شعر میسرود و عاشقی تحصیل میکرد. در این کتاب وی سی و چهار بیت فارسی از خود نقل کرده است

۱- Mr Cunningham

۲- صلح و تحصیل از تقسیمات کشوری هند میباشد و هر صلح (شهرستان) مشتمل بر چند تحصیل (بخش) بوده است و حاکم صلح را ضلعدار یا کلکتر و حاکم تحصیل را تحصیلدار میگویند. بی پرگنه ناصطلاحی که در هند و پاکستان معمول بوده است حوره بر رگه مالیاتی میباشد حاکم آن را حاکم پرگنه میگویند.

مؤلف «کلش بیچاره» درباره عاشقی مینویسد که اکنون که سال ۱۲۵۲ هـ است در شهر لکنو اقامت دارد و چون عربی بلد نیست در تذکره خود خیلی اشتباه کرده است.
بقیه شرح حال مؤلف بدست نیامد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۲۲۴ هـ آغاز کرد و در سیردهم رجب روزه شنبه ۱۲۳۳ هـ با تمام رسانید (و عبارت «نشر رکحان» = ۱۲۲۴ هـ) سال آغاز تألیف این کتاب را می‌رساند).

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چین توضیح داده است که وی در شهرهای کلکنه و اکبر آباد (اگره) و شاهجهان آباد (دهلی) سیاحت پرداخته و در ضمن سیاحت با مردم بلاد مختلف بر خورد کرده و با آنها صحبت داشته است. بالاخره در اثر صحبت آنها بگفتن شعر متوجه شد و در اثر همین علاقه شعر اشعار شعرا را جمع آوری نمود و بتدریج قریب دوهزار بیت جمع آوری کرد. در سال ۱۱۰۳ هـ مؤلف در جهانی کول^(۱) موقعیکه وی در حضور آقای ایلیات کلکتر اصرع علیگره در جستجوی کار بود اتفاقاً روری با میر محمد جعفر مسیح بریلوی تحصیلدار پرگنه اتروئی ارمصافات اصرع علیگره برخورد کرد میرزا نور بمولف گفت که تذکره ریاض الشعراء در اختیار دارد و مؤلف آن تذکره را روری بعاریب گرفت و رو نوشتی از آن برداشت. بعد از مطالعه آن تذکره باین شیخه رسید که واله اشعاره رطب و یابس را جمع آوری نموده و اگر کسی اشعار عاشقانه بخواهد نمیتواند از مطالعه آن لذت ببرد.

بنابر این مؤلف تصمیم گرفت که تذکره ای بنویسد که محتوی اشعار عاشقانه باشد و برای بیل باین مقصود چندین کتاب تذکره و تاریخ و سقیه و دیوان را از دیگران بعاریت گرفته یا به بهای کثیر خریداری نمود همچنین بعضی از این کتاب

۱- یعنی صلح داریا حاکم صلح - صلح در هندو پاكستان تقریباً معنی شهرستان (رجوع شود به ج ۲ صفحه پیش)

را ارتقیه بلگرام و مرچ آباد و ضلع علیگره و وطن خود عظیم آباد و اکبر آباد و شاهجهان آباد و از دیگران خواسته و در عرض هشت سال اشعاری از رودکی تا شعرای معاصر را در این مجموعه جمع آوری کرد و بالاخره در ۱۲۲۴ هـ به تسوید این تذکره پرداخت و بعداً تا هشت سال اتمام این کار بتعویق افتاد تا اینکه در سال ۱۲۳۳ هـ آنرا با تمام رسانید.

مؤلف در دیباچه اسم کتابهای ریرا آورده است که از آنها در تألیف این کتاب استفاده کرده است:

- | | |
|----------------------------|---------------------------|
| ۱- تحفة السامی (تحفه سامی) | ۲- همیشه بهار |
| ۳- حیات الشعرا | ۴- مردم دیده |
| ۵- خلاصة الافکار | ۶- حرانه عامره |
| ۷- سرو آزاد | ۸- ید بیضا |
| ۹- گل رعنا | ۱۰- تذکره بی نظیر |
| ۱۱- ریاض الشعرا | ۱۲- تذکرة المعاصرين |
| ۱۳- مجمع التقایس | ۱۴- منتخب اللطایف |
| ۱۵- کلمات الشعرا | ۱۶- آت الخیال |
| ۱۷- خریطه حواهر | ۱۸- تاریخ صحیح |
| ۱۹- تاریخ فرشته | ۲۰- تاریخ عالم آرای عباسی |
| ۲۱- تاریخ مداوی | ۲۲- تاریخ اکبری |
| ۲۳- احصار الاحیاء | ۲۴- تاریخ جهانگیری |
| ۲۵- تاریخ شاهجهان نامه | ۲۶- تاریخ عالمگیری |
| ۲۷- تاریخ ندری | ۲۸- تاریخ مرآت آفتاب |
| ۲۹- سفینه الاولیا | ۳۰- چراغ هدایت |
| ۳۱- فرهنگ رشیدی | ۳۲- فرهنگ جهانگیری |

از جمله کتب فوق‌العاده حیات الشعراء نیز کتبی و خریطه جواهر امروز
بنا نموده است.

این تذکره مشتمل است بر ذکر هر اربعصد و هشتاد شاعر متقدم و متوسط و
و متأخر ترتیب العبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و با «شیخ ابواسماعیل عبدالله
انصاری» شروع شده با «یوسف بلگرامی» تمام میشود.

این تذکره بسیار مفصل است و شرح حال و آثار شعرا و اشعار منتخب آنها در این
تذکره خیلی مفصل آمده است و تنها اشعار عشقی شعرا نقل و اکثر این اشعار از غزل و رباعی
انتخاب شده است.

مؤلف شرح حال اکثر شعرا را مفصل آورده است و مخصوصاً در ذیل نام شعرای
معاصر شرح حال آنها را خیلی مفصل آورده و همچنین اشعار شعرا را هم غالباً بتفصیل
نقل کرده است.

سبک‌انضای مؤلف غالباً مصنوع است و گاهی نثر مسجع را هم بکار برده است.
گاهی جمله ای مصنوع در معنی «فوت شد» آورده است و بعضی جاها بمناسبت
اسم یا تخلص شاعر حناص آورده است مثلاً در ذیل نام سمل مینویسد «بسمل تیغ
فنا گردید».

فهرست خطی

۱- اشپرنگر ۷۳۲

۲- بانکی پورح ۸ ص ۷۱۶-۷۱۷

۳- رامپور - رجوع شود به ندیر احمدش ۹۷ (۱۲۳۶هـ).

۴- دانشگاه پنجاب - دو نسخه یکی از این نسخه‌ها ناقص الاول و الاخر است از روی

فهرستی که در اول کتاب (ناقص الاول) آمده است تعداد کل شعرا ۱۴۸۰ ذکر شده و
اسامی شعرا هم بهم حورده و بعد از رضا قزوینی در حرف «ر» ذکر امیر خسرو آمده است
ولی شرح حال وی ناقص و ناتمام مانده است. این تذکره در یک جلد است و دریناچه هم

دارد و نسخه دیگر با شیخ عبدالله انصاری شروع شده با واقف بتالوی (تافس الاخر) تمام میشود و این نسخه متعلق بکتابخانه مولانا محمدحسین آزاد دهلوی نویسنده معروف اردو بوده و بعضی عبارات آن بخط آزاد است. اما سابق مؤلف را که اصلاً خیلی مصنوع بوده اینجلیکلی تغییر داده و اشعار شعرا را هم مختصر نقل کرده است.

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به شتر عشق تحت نام عاشقی و گلشن بینظرو گارسن دتاسی ج ۱ ص ۲۳۵ تحت نام عاشقی و نگارستان سخن ص ۵۹ و صبح گلشن ص ۲۷۱ و نیز سخن ص ۸۴ و استوری ج ۱ ص ۸۸۶

فهرست و نامی شعرا

در هیچ فهرست یا کتاب دیگر ذکر نشده است.

انیس العاشقین

ابتدا

«تذکره سعادت تمصره که عرت بحش فصیح بیان لودعی والمعنی تواند بود و حمد سخن آفرینی است که بآیه وافی الهدایه فاتو بصورت من مثله کج طبعان مدرسه صلاحت و گمراهی را با اعتراف : بناظلمنا انفسا فاعمر لنا دینونا انا کنا من الخاطئين بمقامات صدق و یقین رسانده است. »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف این تذکره کنوررتن سنگمتخلص به رخمی است که از طرف شاهان

۱- بود لودعی المعنی تبررای (عاب الهمبار)

اود بالقلب منشی الملوك فخر الدوله دیرالملک مهاراجه (رتن سنگه) بهادرهوشیار
 جنگ منتهی شد. وی سکینه کایسته بود و اصلش از بریلی بود. خانواده او از چندین
 پشت در خدمت شاهان اود بودند و حدش راجه بهگوان داس دیوان و اتالیق (استاد)
 وزیرالممالک نواب آصف الدوله بهادر (۱۶۸۹-۱۷۱۲هـ) والی اود بود و بعداً مدتی
 ناظم بریلی بود.

پندورخمی رأی بالکرام مخلص به صورتی نایب مهاراجه چهاوالال بوده در سرکار
 نواب آصف الدوله سمت میر آتش را داشت و توپخانه بالک گنج در لکنهو هنور هم بنام
 وی مشهور است. وی مدتی صاحب دیوان نواب آصف الدوله بود. بالاحر مدرسه شوال
 ۱۲۱۱هـ به عظیم آباد رفت و نواب مرپور که وی را خیلی دوست داشت «تاب حدائی
 بیاورده» روز ۲۸ ربیع الاول ۱۲۱۲هـ از این سرای فانی بعالم حاودایی شافت و بالکرام
 نیز خدمت شاهی را ترک گفته از دنیا ماهیپایی خسرو بی پروا شد و تامدتی در بلاد
 مختلفه آواره و سرگردان ماند. البته گاهی برای دیدن پسر خود رخمی میآمد و باز
 بعزت شوریدگی پسر گردانی میپرداخت تا بالاحره در ۱۲۶۰هـ از این سرگردانی
 راحت شده و سر بر حاک کشیده بخواب اندی فرورفت.

رخمی در لکنهو در شب یکشنبه ۲۳ محرم سنه ۱۱۹۷هـ مطابق ۹ دسامبر ۱۷۸۲
 میلادی چشم بدیده گشود و در آغاز شب شوق اکتساب علوم بدلش افتاد. بنابراین
 بعضی زبانهای مشهور و متداول مانند فارسی و عربی و هندی و انگلیسی را بقدر
 ما یحتاج فرا گرفت و با علوم عقلیه و نقلیه در این زبانها آشنا شد.

مؤلف بسیر و سیاحت اکثر بلاد هندوستان پرداخته و نخستین مسافرت وی
 از لکنهو به بریلی وطن آتائی وی بود. سپس در ۱۲۱۸هـ به کلکنه رفت و آنجا چند

۱- هر چه ایستار هندوها که بعضی افراد آن از علما و فضلاء معروف عربی و فارسی بوده اند
 و امروز هم پیش از سایر اقوام هندو به زبانهای عربی و فارسی دوق و علاقه دارند.

سال در خدمت اوست اندیا کمینی^۱ بود. بالاخره در ۱۲۳۰ هـ به لکنوه مراجعت نموده در خدمت شام اورد درآمد.

- ۱. وی در زمان غازی الدین حیدر اولین پادشاه اود و پشروی نصیرالدین حیدر دومین پادشاه اود بلق و خدمت منشی الملوکی ملقب و ماهور شد و در زمان آن محمدعلی شاه سومین پادشاه اود بسمت دیوانی آن ریاست^۲ و به لقب چهارمها را حکمی منظر و بالاخره وزیر دارائی اود شد.

رحمی گاهگاهی بسیاحت نقاط مختلف هندوستان می پرداخت. در موقع تألیف این کتاب (۱۲۳۹ یا ۱۲۴۵ هـ) اکثر اوقات خود را در بریلی سپری میبرد و گاهی به لکنوه میرفت.

دعایات . میرزا حسن (متخلص به) قتیل .. (فن) شعر گفتن را آموخت و بسک شعرای متقدم شعر میسرود و بفارسی دیوانی ترقی داده بود.

در سال ۱۲۶۳ هـ رحمی مسلمان شد و بعد از سه سال در ۱۲۶۷ هـ (۱۸۵۰-۱۸۵۱ م) فوت کرد. اشپزنگر نیز سال وفات وی را ۱۸۵۰ یا ۱۸۵۱ میلادی ثبت

۱ - شرکت هند شرقی که در سنه ۱۶۰۰ م بوجود آمد - در اول يك شرکت بازرگانی و تجاری پیش بود اما تدریجاً از اوضاع و حیم سیاسی هندوستان سوء استفاده کرده در امور سیاسی آن مملکت دخالت نمود و بالاخره در نتیجه دسایس و توطئه های متوالی در آن کشور تسلط پیدا کرده و مرسس و بیان گدار حکومت انگلیسی در هندوستان شد تا اینکه در ۱۸۵۷ م وکتوریه ملکه انگلستان رمام امور سلطنت هند را مستقیماً بدست خود گرفت و هندوستان را حرو مستعمرات انگلستان اعلام نمود و بدین ترتیب به حکومت کمپنی مربوط در هندوستان خاتمه داد

۲ - ناحیه های بیم مستقل که حکام آنها را در شه قاره هندوستان نواب و راجه و چهاراچه میگویند مانند حیدر آباد دکن و کشمیر و غیره.

کرده است.^۱

بقول مؤلف «صح گلشن» زخمی با اکثر علوم عربی و فلسفی و ترکی و انگلیسی و سنسکریت آشنائی داشت. وی پسری داشت بنام کنور دولت سنگه شکری که در عنوان خوانی فوت کرد و بقول مؤلف «صح گلشن» در جمله فنون ار پسر خود بر قدمها تر میگذاشت»

آثار مؤلف

- ۱- جام گیتی نعا - برای نسخه رجوع شود به ریوس ۱۰۹۶
- ۲- سلطان التواریخ - تاریخ مفصل شاهان اوداست و شامل وقایع تاریخی تا مرگ محمد علی شاه پادشاه اود (۱۲۵۸ هـ) میباشد - مؤلف آنجا شرح حال خود و نسبت مفصل آورده است - برای نسخ رجوع شود به ریو ج ۳ ص ۹۶۲ (مورخ ۱۲۶۵ هـ) و اندیا آفس ۲۹۶۱ (مورخ ۱۸۷۸ م)
- ۳- دیوان فارسی - نسخه آن در دانشگاه لاهور در کلکسیون شیرانی موجود است.

۴- انیس العاشقین - تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را طاهر آ در ۱۲۴۵ هـ تألیف نموده است چنانکه در دیباچه نسخه خطی دانشگاه لاهور مینویسد که وی این کتاب را بسال یکهار و دو صد (دویست) و چهل و پنج ۱۲۴۵ هـ تألیف نموده است. اما در خاتمه جلد دوم ورتو گراف (عکسهای) نسخه کتابخانه لاله ماتا پرشاد عبارت زیر آمده است:

مت وهتم (بیست و هفتم) رمضان المبارک سه ۱۲۳۶ هجری مطابق بست و

- ۱- بقول دیو نسخه ای از سلطان التواریخ تألیف رتن سنگه زخمی درموره بریتانیا موجود است که مؤلف آنرا به سر اجام ایللیات در ۱۸۵۱ م تقدیم کرده است (ر.ک. ریو ج ۳ ص ۹۶۲). در این معلوم میشود که مؤلف این کتاب را چندین قبل از مرگ خود به سر ایللیات تقدیم کرده و در همان سال گذشته است.

هفتم مئی (مه) سنه ۱۸۲۴ عیسوی (میلادی) حسن تحریر چندین وقت ... کتبه
عبدالمنصب غلام حسین.

اکنون بی بردن باینکه کدامیک از عبارات فوق اشتباه است مشکلات چون
در عبارت اول سال بصورت المعظم میزدگر شده و در عبارت دوم سالهای هجری و میلادی
هر دو آمده است (و این سالها هم درست است).

راجع بسبب تألیف مؤلف در اینجا به کتاب چنین توضیح داده است :

« از عنوان شایع نظم اشعار مایل و صحبت شعرا را مایل بوده ام و هنگام فراغ
از کتب معقول و منقول بملاحظه دو اوین بلاغت تضمن قدما و متأخرین بر
می نمودم تا در سه ۱۲۴۵ یک هزار و دویست (دویست) و چهل و پنج هجری گنه
وارد دارالسنه لکنو بودم شعب بعضی اشعار عاشقانه شعرای بانام و نشانه (معروف)
را فراهم آورده باقلیلی از حالات هر یکی بنهایت ایضار بقلم سپردم و با انتخاب
عزل و رباعی اقتصار ورزیده از تحریر اشعار قصیده و مثنوی الا ضرورت
در گذشتم »

این تذکره مشتمل است بر ذکر حال و اشعار و منتخب از متجاور از دو هزار
شاعر متقدم و متأخر بترتیب العما از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر و شامل
مقدمه در مدح نصیرالدین حیدر شاه اود (۵۳ هـ ۱۲۴۲ م) و سی و دو « حرف » اول اسم
که هر حرف آن مخصوص برای یکی از حروف العما است جلد اول این کتاب
و با آبرو « شروع شده با « ضیائی » تمام میشود و جلد دوم آن با « طاب حاجر »
شروع شده با « یوس ابری » تمام میشود »

مؤلف این کتاب را بنام نصیرالدین حیدر شاه اود عنوان کرده است

در دلیل اکثر شعرا و شرح حالشان را، خیلی مختصر آورده است مانند آبرو

۱- صحه ای که در دانشگاه لاهور موجود است جلد اول این کتاب است.

۲- در دانشگاه لاهور عکسهایی از نسخه متعلق مکتبخانه لاله مانا پیر شاد موجودا

که مشتمل است بر جلد دوم این کتاب .

و آئون آثم کبر آبادی و غیره

در ذیل بعضی شرح حالشان را مختصر و لی جامع آورده است مانند آزاد بلگرامی
و آشنا و آمینو غیره . . .
در ذیل بعد کمی از شعرها شرح حالشان را مفصل آورده است مانند آرزو و اردقی
و انسی و غیره . . .

با وجود اینکه اشعار شعرا غالباً مختصر نقل کرده است اشعار خود را خیلی
مفصل (در هفتاد و سه صفحه) و مفصل تر از همه آورده است .
چنانکه خودش در مقدمه توضیح داده است اکثر اشعار منتخب از غزلیات و
رباعیات است و در این تذکره بهدرت اشعاری را از قصاید و مثنوی انتخاب نموده
است .

۴۴ - ۴۳ - نثر مؤلف در سراسر کتاب ساده و غیر مصنوع است و تنها در مقدمه یاد در موقع
تشریح و تمجید از شعرا نثر مصنوع خصوصاً نثر مسجع بکار برده است.
نسخ خطی

۱ - دانشگاه لاهور (جلد اول کتابت استار «آبرو» تاصیائی)

۲ - تذیر احمد ش ۷۳ (مورخ ۱۲۳۹ هـ - جلد دوم ابطال حاکرمی و شامل
۱۱۷۶ شاعر است - کتابخانه گوری پرشاد در لکهنو) طاهر آ این همان نسخه
است که عکسهای از آن در دانشگاه لاهور موجود است اما اسم صاحب این
کتابخانه «لاله ماتا پرشاد» ذکر شده است نه گوری پرشاد - البته نسخه این عکسها
بیرمورخ ۱۲۳۹ هـ میباشد

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به ایس العاشق و سلطان التواریخ و صح

گلشن ص ۱۹۴ و استوری ص ۸۹

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به خود نسخه های این کتاب.

گلدسته کرفاتک

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف غلامعلی موسی رضاملقب به حکیم باقر حسبر خان و متخلص به رایق است و اسم پدرش حکیم رکن الدین حسین خان بایطی است. رایق در ۱۱۸۰ هـ در محمد پور در ناحیه ازکات متولد شد اما مؤلف بتاییح الافکار مینویسد که وی در مدارس متولد شد و مدتی در قصه آورده گیر که از الکای مدارس است اقامت داشته و در آورده گیر نزد مولوی باقر علی آگاه تحصیل علم عربی و فارسی و بعد مایحتاج نمود و در تندرته «محبوب الرحمن» مولداو «اوگیر» ذکر شده اند در «گلزار اعظم» مولداو «محمد پور» (زکات) آمده است. چون رایق رابطه عمیقی بدربار کرفاتک داشت و مؤلف «گلزار اعظم» حاکم آنجا بود بنابراین قول او بیشتر مورد اعتبار و اعتماد میباشد.

رایق در زمره نجاتی نواب حیدر علی خان حاکم میسور (متوفی در ۳۰ محرم ۱۰۹۷ هـ) به او دگر گرفته و در خدمت سید عبدالقادر خان دگر دار آجا در آمد و سپس به مدارس رفت و آنجا در مولوی محمد باقر آگاه تحصیل علوم و فنون برداشت و مهارتی در نظم و شریعی حاصل نمود و بهر شهرتی در فن ضعیف کرد.

نواب عمده الامرا به پدر حاکم کرفاتک او را بسبب موسی در محمد پور منصوب کرد و در رایق بموان معور نظام الدین احمد خان بهادر محمد پور رفت بعد از وفات نواب مرید رایق دو دوره به مدارس رفت و در زمره اطباء نواب عظیم الدوله بهادر رحمت آباد نوب کرفاتک (۱۲۱۶-۱۲۳۴ هـ) در آمد و نواب مرید او را لقب حکیم باقر حسین اعطا نمود در روزهای آخر عمر خود به مریمه حسین و ندهی نواب اعظم حاکم پور در جوانی نواب کرفاتک (۱۲۳۴-۱۲۴۱ هـ) پدر مؤلف گلزار اعظم در آمد و بطلب و توجه او بمیه زندگی خود را سعادت و احترام تمام گذراند.

در تذکره «محبوب الرحمن» سال وفات او ۱۲۴۷ هـ ضبط شده ولی «در گلزار اعظم» و «تایح الافکار» و «اشارات پیش» ۱۲۴۸ هـ آمده است. در تذکره «سخنوران بلند فکر» (اردو) قطعه تاریخ وفات رایق که سید ابوطیب خان والا گه به بدین قرار آمده است:

داروی اجل چو خورد رایق

با بدرقه گلاب ایمان

سالم ز سر بکا دلم گفتم

حقا که ز دهر رفت لقمان

بقول مؤلف «سخنوران بلند فکر» (اردو) اینجا از سر بکا تعبیه است یعنی باید عدد «ب» = ۲ را بعد مصرع دوم = ۱۲۵۱ اضافه کرد و بدین ترتیب سال وفات رایق (۱۲۵۳ هـ) برمیآید که با اصل سال وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم و غیره ۱۲۴۸ هـ است پنج سال فرق دارد. اما حقیقت اینست که بمؤلف سخنوران بلند فکر اشتباه دست داده و باید عدد ۲ را از ۱۲۵۱ منها کرد و در نتیجه ۱۲۴۹ بدست میآید که فقط یک سال از وفات رایق که بقول مؤلف گلزار اعظم و غیره ۱۲۴۸ هـ میاشد فرق دارد.

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیف این تذکره را در ۱۲۱۰ هـ آغاز نموده چنانکه اسم تذکره اردوی ابجد میرساند و در بین ۱۲۴۴ و ۱۲۴۸ با تمام رسانیده است اما روایت صاحب گلزار اعظم سال اتمام این کتاب ۱۲۴۰ است چنانکه «گلدستریبای کر ناطک» میرساند این تذکره مشتمل است بر ذکر ۷۰ شاعر بترتیب الفبا اردوی حرف اول اسم یا تخلص شاعر که در کر ناطک در اوایل قرن ۱۸ و اوایل قرن ۱۹ م زندگی میکرده اند چون مؤلف با تمام این شعر آشنا بود و آنها هم شهری وی بودند بنا بر این اطلاعاتی که در این تذکره درباره این شعرابهم رسانیده است اعم از اینکه در دربار یا خارج اردو بار بودند در هر حال قابل اعتبار و اعتراف است

نسخ خطی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به گلدسته کر ناطک و تایح الافکار ص ۱۸۹ و صبح و وطن ص ۸۱۸ و گلزار اعظم ص ۲۱۲ و اشارات پیشش ص ۴۹ و ۹۴-۹۵ و حدیقه المرام